

بررسی شواهد کین‌توزی در کنش‌های خشونت‌بار داعشی؛ دولتی‌شدن و سازمان‌یافتگی هراسی

نویسنده: علی شهبازی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۷

۲۷

چکیده

گسترش تروریسم در جهان امروز زندگی انسان مدرن را پرمخاطره ساخته است، به طوری که اگر چند دهه پیش می‌توانسیم دور از ترس و اضطراب در سوریه و عراق به دیدن جاذبه‌های گردشگری این منطقه بپردازیم، اکنون به واسطه فعالیت‌های تروریستی داعش نه تنها این امکان وجود ندارد بلکه حضور در این مناطق به منزله ورود به میدان جنگ محسوب می‌شود. همچنین رشد عمل‌گرایی در گروه‌های تروریستی زندگی در برخی از کشورهای اروپایی را نیز مخاطره‌آمیز ساخته است؛ چراکه هسته‌های پنهان و مرتبط با داعش همچنان در اروپا جریان دارد. در این شرایط تضعیف و نابودسازی تروریسم داعش تا چه میزان می‌تواند دست‌یافتنی باشد؟ بسیاری از متفکران و محققان علوم انسانی به دنبال این پرسش به بررسی راه‌کارهای مبارزه با دولت اسلامی پرداخته و سعی می‌کنند راهبردهای بلندمدت و بنیادی و تاکتیک‌های کوتاه‌مدت نظامی را برای تضعیف داعش ارائه دهند. ما نیز در این مقاله سعی کردیم به واسطه کاربست پارادایم کین‌توزی به دنبال پرسش از معنای کنش‌های خشمناک داعش با جمع‌آوری شواهد و موارد عینی به معناکاوای کنش‌های خشونت‌بار تروریستی‌های داعش بپردازیم. بنابر نتایج پژوهش حاضر اولین و بنیادی‌ترین ویژگی روان‌شناختی کنش‌های داعش همانا واکنش‌مندی آنهاست. چنان‌که کنش‌های داعش بنیادین واکنش‌علیه ناخوش‌آیندهای درونی و تجارب زیسته هستند، می‌توان دلالت‌های متعددی در کنش‌های ایشان یافت که گواه بر واکنش‌مندی دارد. تدارک بوروکراسی و انتشار تصاویر اعدام و شکنجه در فضای مجازی از جمله این موارد است.

واژگان کلیدی: واکنش، داعش، خشونت، روان‌شناسی، کین‌توزی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی در دانشگاه خوارزمی و محقق در مطالعات گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال
a_shahbazi1369@yahoo.com

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال هفدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۶۲-۲۷.

◆ آمریکاشناسی، اسرائیل‌شناسی

نام و آوازه خشونت‌ورزی داعش توأم با عکس‌هایی از جنایات آنها و کشتار جمعی مخالفان هر روز در رسانه‌های جمعی و فضای مجازی منتشر می‌شود. به طوری که اکنون کمتر کسی با شنیدن نام آن تصاویری از جنایات تهوع‌آور، کشتار و شکنجه به‌خاطر نیاورد. پیشتر نیز گروه‌های تروریستی مانند القاعده، بوکوحرام و الشباب به اقداماتی مشابه مانند منتشر کردن صحنه‌هایی از قتل مخالفان اسیر شده اقدام می‌کردند، اما کنش داعش در نوع خود در میان تاریخچه گروه‌های تروریستی اقدامی وسیع و منحصر به‌فرد در تروریسم محسوب می‌شود. به‌واقع داعش تروریسم و مدرنیته را به‌میزان زیادی تلفیق نموده و از مزیت‌های اطلاعاتی و جنگی برای توسعه کنش‌های تروریستی خود سود جسته است. در جبهه دیگر محافظان جهان مدرن با این دغدغه دست به‌گریبانند که چگونه می‌توانند داعش را مهار کرده و از رشد تروریسم در جهان جلوگیری نمایند. برای این منظور رویکردهای متفاوتی دست به‌کار شده و به‌شناسایی زیروم این پدیده و زمینه‌های تاریخی ظهور داعش پرداخته‌اند. این در حالی است که اکنون داعش نیرومندترین دولت تروریستی در جهان است که آشکارا هدف خود را کشتار مخالفان و به‌بند کشیدن انسان‌ها معرفی می‌کند. جهان امروز باید برای مقابله با این پدیده تدبیرهای متعددی بیندیشد، اما پیش از آن باید زیروم این پدیده را به‌واسطه کاربست رویکردهای متنوع به‌فهم درآورد تا بتواند در ابتدا از رشد آن جلوگیری و سپس با اتخاذ شیوه‌های مناسب به‌خشکاندن ریشه‌های آن اقدام کند. به‌زعم ما برای شناسایی داعش نباید به‌انگاره‌های سطحی و شفاف آنها تکیه زد؛ یعنی آن دسته از گفته‌ها و نوشته‌هایی که توسط ایشان منتشر می‌شود و به‌نوعی بیان‌کننده اهداف، خط‌مشی، نگرش و رویکرد آنها به جهان مدرن است، بلکه باید انگاره‌های ایشان را به‌عنوان نتایج فرآیندهای روان‌شناختی پیچیده‌ای بیان‌گاریم که به‌واسطه پیش‌انگاره‌های زندگی و زیسته‌های آنها تحصیل شده است. برای روشن‌گری درباره پیش‌انگاره‌های زندگی تروریست‌های داعش باید فراتر از گفته‌ها و کنش‌های ایشان رفته و توان خوانش درونیشان را به‌دست آوریم. برای متفکر علوم انسانی خوانش معنای کنش هدف‌نهایی

رهیافت تفهومی است و ما به واسطه تجهیز فهم به پارادایم‌های توضیح دهنده پدیده‌های خشن می‌توانیم کنش‌ها و اقدامات مشابه را توضیح دهیم. براین اساس در این مقاله به واسطه مجهز نمودن خود به پارادایم کین‌توزی درصدد هستیم کنش‌های داعش را به فهم درآورده و از این طریق به این پرسش که چه معنایی در کنش‌های خشونت‌بار داعش نهفته است؟ پاسخ دهیم.

معنا و مفهوم کین‌توزی

۲۹ | واژه کین‌توزی، در اصل و ریشه فرانسوی است و دلالت بر وضعیت روانی دارد که عواطف منفی مانند حسادت، نفرت، حسرت، انتقام و خشم سرکوب می‌شوند. ابتدا فردریش نیچه از واژه *Ressentiment* برای دلالت بر نظریه‌ای روان‌شناختی استفاده نمود. او در کتاب *تبارشناسی اخلاقی* اصل واژه فرانسه را به کار برده است. والتر کافن عقیده دارد کاربرد واژه فرانسوی برای نیچه واکنشی به تز ملی‌گرایی هگلی و تلاش آنها برای آلمانی‌سازی واژگان فلسفی بوده است. به هر حال ماکس شلر پس از نیچه با توجه به نظریه‌ای روان‌شناختی که از *Ressentiment* به دست داد، به پیروی از او واژه فرانسوی را به کار برده است. شاید واژه *Ressentiment* در انگلیسی را بتوان با واژه *Genre* قابل مقایسه دانست که در عین آنکه ریشه و اصل آنها فرانسوی است، یک واژه انگلیسی نیز به حساب می‌آیند.

داریوش آشوری در تعریف کین‌توزی آورده است: کین‌توزی به‌عنوان شکل خاصی از نفرت و دشمنی در نظر گرفته می‌شود. کین‌توزی احساس نفرت و دشمنی نسبت به آن چیزی است که کسی به‌عنوان علت ناکامی خود می‌شناسد و به سرزنش آن دست می‌زند. احساس ضعف و حقارت و چه بسا حسادت نسبت به علت ناکامی خود که یک نظام طردکننده از سوئی و پذیرنده از سوی دیگر، می‌آفریند (طرد دیگری و پذیرش خود) که به منشا خیالی ناکامی خود حمله یا آن را انکار می‌کند. گویی که دشمنی می‌آفریند تا خود را از احساس گناه رها کند (رهایی احساس حقارت و نفرت از خود). (آشوری، ۱۳۹۴: ۲۴)

آشوری با طرح مفهوم کین‌توزی بر اساس پارادایم تبارشناسی نیچه آن را ساختار مفهومی مطلوبی برای روان‌شناسی روشنفکری در ایران معرفی می‌کند. به‌نظر او با توجه به احساس

خودکم‌بینی روشنفکران ایرانی نسبت به مدل غربی و خدشه‌دار شدن حس اعتماد به نفسشان در زیست‌جهان آنها نوعی سرخوردگی و حقارت به وجود می‌آید که به انواع واکنش‌های ستیزه‌جویانه و علت‌تراشی‌ها می‌انجامد. در این وضعیت روشنفکران ایرانی به دنبال این حس حقارت در ارتباط با دیگری (غرب یا اعراب) موارد گوناگونی را به‌عنوان علت اصلی حس حقارت معرفی می‌کنند. آشوری معتقد است نمونه‌های اعلائی کین‌توزی در ایران آثار صادق هدایت است که به یک بن‌بست تاریخی و جبر می‌رسند.

در واقع آشوری با کاربست مفهوم کین‌توزی براساس پارادایم نیچه روند تاریخ روشنفکری ایران را شامل مجموعه‌ای از واکنش‌های اندیشمندان ایرانی به‌نوعی احساس حقارت می‌داند که در ارتباط با غیر تجربه کرده‌اند؛ به‌طور مثال شعار غربی شدن توسط تقی زاده و یا مطرح شدن اسلام و عرب به‌عنوان تنها علت ضعف روشنفکری ایرانی توسط هدایت نموده‌ایی از کین‌توزی به‌شمار می‌آیند. او معتقد است روشنفکری در بستر کین‌توزی زاده شده و تمام ادبیات ما نوعی ادبیات کین‌توزانه بوده که شامل دل‌گیری و نارضایتی از سرنوشت خویش است.

مانفرد فرینگز^۱ در مقاله ماکس شلر و ساختار آسیب‌شناسی روانی تروریست کین‌توزی را مانند یک ساختار روانی توصیف کرده و معتقد است در مرکز کینه‌ورزی ساختار نیمه‌هوشیارانه‌ای از نفرت در بین مردمی که از ضعفشان رنج می‌برند، وجود دارد. این ضعف‌ها می‌تواند معایب اجتناب‌ناپذیر، محدودیت‌های اجتماعی و یا ناتوانی‌هایی در مورد دستیابی به اهداف مورد نظر فردی یا گروهی باشد. (Frings, 2015: 2)

فرینگز کین‌توزی را وضعیتی از احساسات منفی معرفی می‌کند که به‌واسطه پایمال شدن حس غرور و اعتماد به نفس فرد آغاز می‌شود. فرد این وضعیت را به‌واسطه قیاس خود با غیر انجام می‌دهد که در نهایت منجر به مواجه شدن او با ضعف‌ها و نقایصی در سطح آگاهی خواهد شد. این ضعف‌ها می‌تواند جسمی، مالی، ذهنی، روحی و یا خانوادگی باشد. در ادامه علاوه بر ناتوانی نخست که به‌واسطه قیاس با دیگری در آگاهی فرد به‌وجود می‌آید، او همچنین خود را ناتوان از رفع این

1. Manfred Frings

◆ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی، اسراییل‌شناسی، سال هفدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۵

نقایص خواهد یافت. اوج وضعیت کین‌توزی در زمانی است که فرد تجربه‌کننده این احساسات شروع به باژگونی ارزش‌های مستقر در جهان می‌کند؛ ارزش‌هایی که نشان‌دهنده ضعف و ناتوانی او و توانمندی و شکوه غیر است.

اساس این احساسات منفی که مجموعاً وضعیت کین‌توزی را پدیدار می‌کنند، از قیاس خود- غیر آغاز می‌شود. این قیاس کنشی غیرارادی است که مقدم بر آگاهی ما از خود - غیر بوده و در واقع نتیجه این قیاس به‌شمار می‌آید. نتیجه قیاس خود - غیر برای طرف ضعیف‌تر قیاس همواره عذاب‌آور است. او سعی می‌کند این احساسات منفی را برون‌فکنی کند و بدین‌وسیله از شر آن خلاص شود، اما اگر این کنش در عالم واقع رخ دهد نباید انتظار تکوین وضعیت کین‌توزی داشته باشیم؛ چراکه احساسات منفی با موفقیت برون‌فکنی شده‌اند و فرد توانسته است خود را از این احساسات برهاند. آن‌چنان که پیداست احساسات و تاثرات منفی وقتی می‌تواند وارد فاز کین‌توزی شوند که فرد قادر به ارضای خشم و نفرت خود نباشد. هم‌چنان که ماکس شلر معتقد است، کین‌توزی فقط به‌شرطی پدید می‌آید که این عواطف در عین نیرومندی فوق‌العاده، سرکوب شوند؛ زیرا آنها با این احساسات ممزوج می‌شوند که آدم یا از سرضعف جسمی یا از روی ترس قادر به ابراز آن نیست. (شلر، ۱۳۹۲: ۴۳)

الیزابت موری^۱ در مقاله «عقلانیت و کین‌توزی» اصحاب اصلی کین‌توزی را ماکس شلر در کتاب کین‌توزی و فردریش نیچه در کتاب تبارشناسی اخلاق معرفی می‌کند. او در تعریف کین‌توزی آورده است: حالتی از احساسات و عواطف واپس‌زده است که میل به دگرگونی در ساختار ارزش‌های موجود را در خود دارد. کین‌توزی از روابط ما با دیگری - وضعیتی بینافردی - برمی‌خیزد و محتوای آن عواطفی است که نباید آن را برای دیگری فاش سازیم. به‌علاوه، این عواطف واپس‌زده می‌توانند در طیف وسیعی از کنش‌های اجتماعی ما از شیوه‌های دین‌داری و ریاضت، مدگرایی، نگرش عالمانه تا راهبردهای علمی، ایدئولوژی‌های سیاسی، نهادسازی و انقلاب را عرصه نفوذ خود قرار دهد. (Morelli, 1998: 1)

پیتر استراسون^۲ در مقاله‌ای با عنوان آزادی و خشم درباره طبیعت کین‌توزی آن را مانند سایر

1. Elizabeth Murray Morelli

1. Peter Frederick Strawson

تأثرات، واکنشی از عناصر طبیعی روابط بیناشخصی می‌داند که چارچوب زندگی اخلاقی را می‌سازد. کین‌توزی خواست توجه و اراده نیک دیگری در یک مساله است، در مقابل آن شرم قرار دارد که به‌واقع تجربه خواست دیگری است که بر خود تحمیل می‌شود. (Nelson, 2013: 20) به‌عبارتی بدون روابط متقابل که ابژه آن هر دو طرف موجود در رابطه هستند، حضور احساساتی منفی/مثبت در خود یا علیه دیگری بی‌معناست. در نهایت استراوسن کین‌توزی را یک واکنش طبیعی به بی‌تفاوتی دیگران می‌داند که صرفاً در قالب تجارب بین فردی بر احساساتمان عارض می‌شود.

مفهوم Ressentiment البته در متون متفاوت ساختار و تعریف متفاوتی دارد. ما در بخش بعدی (ریشه‌ها و شیوه‌های کین‌توزی) با بررسی کانتکس‌های متفاوت تاریخ تحول مفهومی Ressentiment را نشان خواهیم داد. اما در اینجا آن‌چنان که مقدور است با توجه به تعاریف ارائه شده از آشوری، فرینگز، موری و استراوسن به ارائه تعریفی بسنده و کامل از کین‌توزی خواهیم پرداخت.

مرحله نخست کین‌توزی را می‌توان زمانی دانست که فرد/گروهی از گونه انسان تحت تأثیر استعدادهای ذاتی، مالکیت و یا هر چیز دیگری نسبت به هم حسد بورزند. فروخوردن احساس حسادت می‌تواند به عمیق‌تر شدن این احساس و حتی به اخلاقی‌سازی، عقلانی‌سازی و انسانی‌سازی آن نیز منجر گردد. در این حالت کنش‌هایی که در سطح تعلقات‌مان جریان دارد، به سطح عقلانیت نفوذ می‌کند و بنیان زندگی فکری ما را هم تحت الشعاع قرار خواهد داد.

با توجه به اینکه کین‌توزی حالتی روانی است که در آن احساسات خشم و نفرت به‌واسطه ضعف درونی (ترس) و یا بیرونی (ضعف بدنی، جایگاه پایین اجتماعی) واپس زده می‌شود، می‌توان دریافت که نفرت و خشم در حالت کین‌توزی به‌واسطه مکانیزم واپس‌زدگی در ناآگاهی فرد/گروه کین‌توز قرار می‌گیرد. البته ناآگاهی بهترین مکان برای استقرار این عواطف هستند؛ چراکه ضعف درونی/بیرونی فرد در تخلیه این انرژی مسموم می‌تواند باعث آن شود که ساحت خودآگاهی فرد به این عواطف مشغول شده و آرامش و ثبات روانی او را مختل نماید.

مصادیق کین‌توزی را می‌توان در کشورهایایی یافت که دارای اقلیت‌های متنوع قومی، زبانی و مذهبی هستند. این تنوع و گوناگونی البته بهترین زمینه برای شیوع (مقایسه) خرده‌فرهنگ‌ها یا تجارب تاریخی منفی خواهد بود. علاوه بر این نفوذ نگرش کین‌توزانه به حدی است که می‌تواند

بنیاد یک نظام ارزشی را زیر و زبر و نظامی دیگر مستقر کند. اما باید دانست که در این وضعیت (که نیچه از آن به‌عنوان اوج کین‌توزی یاد می‌کند) ما نه فقط در نسلی که ابداع‌کننده اخلاق کین‌توزانه است، بلکه در نسل‌های بعدی آن که آموزش و تربیتشان تحت تاثیر اخلاق کین‌توزانه مستقر شکل می‌گیرد، انتظار نسلی دشمن‌تراش و ستیزه‌جو داشته باشیم. بدین شکل کین‌توزی از منشائی درونی و به‌عنوان اتفاقی در برهه‌ای از تاریخ تبدیل به عاملی تاریخ‌ساز می‌شود.

پس مرحله دوم در تکوین وضعیت روانی کین‌توزانه بستر گوناگونی اجتماعی و تنوعات ذهنی و ظاهری است. در این بستر فرصت ظهور نگاه حسادت‌ورزانه و مقایسه مکرر افراد با یکدیگر فراهم می‌شود. این وضعیت می‌تواند بین فرد یا حتی بین دو ملت نیز رخ دهد.

عواطفی که از قیاس خود - غیر و ظهور برخواسته‌اند، مانند حسادت و نفرت، نوعی اختلال به حساب می‌آیند و باید یا به‌واسطه کنش تخلیه شوند و یا به ناآگاهی واپس زده شود. در تکوین وضعیت کین‌توزی عواطف منفی واپس رانده می‌شوند، اما لازم است کنش‌های اخلاقی عامل واپس زدن نباشد بلکه به‌واسطه ضعف و ناتوانی فرد انجام شود. به عبارت دیگر، وقتی احساسات و عواطف ما تحت تاثیر کنش‌های انتقادی در ساحت درونمان باشند، عطش انتقام به‌واسطه نفوذ قوه اخلاقی می‌تواند آرام گیرد و پس از آن نه شاهد تنش‌های خشنماک از موضع ضعف (کین‌توزانه) خواهیم بود و نه شاهد تاسیس نظام اخلاقی/ ارزشی کین‌توزانه. بنابراین تکانه‌های اخلاقی نباید بر تنش‌های عاطفی غلبه یابند؛ چراکه آنوقت آتش انتقام با آب ملکات اخلاقی و نصیحت و نجوای درونی به‌سردی می‌گراید. تنها زمانی می‌توان از دیگ نفرت انتظار جوشیدن داشت که هیچ دلیل درونی مگر (ناتوانی) مانع فوران آن نباشد.

جهان مدرن (و براساس دیدگاه ماکس شلر؛ اخلاق بورژوازی) به‌واسطه فرهنگ قیاس‌محورانه و رقابت‌جویانه همگان را در معرض سم کین‌توزی قرار داده است. از آنجا که تنوع و گوناگونی بین فرهنگ‌های متفاوت می‌تواند به ضعف و یا عقب‌افتادگی تفسیر شود، جهان مدرن به‌واسطه مرام قیاس‌مندانه این تنوعات و گوناگونی‌ها را عملاً به بستر خیزش نفرت و خشم و رشد خشونت‌ورزی در جهان تبدیل می‌کند. در این وضعیت خشونت می‌تواند بسیار فراگیرتر از حالت اولیه آن باشد - که صرفاً معطوف به دیگری است - با توجه به استقرار نیروی افکار حسادت‌ورزانه در ناآگاهی

می‌توان انتظار داشت ابژه نفرت این نیروها به همه عالم فرافکنی شود و به شکلی آرزومندانه - ناکام - در عالم واقع سرازیر شوند، بدین خاطر است که در کین‌توزی عواطف واپس‌رانده تحت فشاری که بر فرد/گروه وارد آورده است، کنش‌های ذهنی و یا کنش‌های عینی را ایجاب می‌کند که می‌توان نمونه‌های اعلائی آن را در تولید نظام اخلاقی/ارزشی دانست.

سرانجام کین‌توزی می‌تواند به دو وضعیت منتهی شود؛ در یک حالت کین‌توزی با گذشت زمان از درون روح را فرسوده می‌کند و در اثر این سوژه‌تن‌دار^۱ که آغشته به زهر کین‌توزی شده طراوت بدنی خود را همچون طراوات ذهنی و روحی خود از کف خواهد داد، در این حالت راهی برای او باقی نمانده مگر اینکه به‌وسیله گفتمان‌های رهایی‌بخش - مانند روان‌کاوی - ایده‌های سرکوب شده را کشف کند و از شر هیجانات ناآگاهانه روح رهایی یابد. در حالت دیگر، کین‌توزی منجر به کنش‌های ذهنی علیه ارزش‌های ابژه میل خواهد شد. در این وضعیت ارزش‌هایی که ابژه میل واپس‌رانده توسط آن (نیک و ارزشمند) توصیف می‌شود، به‌واسطه کنش ذهنی انتقام‌جویانه وارونه می‌شود. این کنش باعث آرامش و ثبات روانی فرد/گروه کین‌توز خواهد شد و به میزان موفقیت کنش در دست یافتن به (دگرگونی ارزش‌های ابژه میل واپس‌رانده) کنش‌گر به آرامش دست خواهد یافت.

اما در کنش عینی که شامل اقدام به انتقام علیه غیر است، می‌تواند تمام حس انتقام را تخیله کند؛ به‌طور مثال نخبگان و رهبران سازمان داعش که عموماً تجارب زیسته‌ای از حقارت‌آمیز مسلمانان در ضمیرشان سنگینی می‌کند! به‌واسطه کشتارهایی که علیه غیر (غرب/شیعه) انجام می‌دهند می‌توانند عواطف خود را تخیله کرده سپس به ثبات و آرامش روانی دست پیدا کنند. ناگفته پیداست که ساختارهای روانی مانند کین‌توزی علاوه بر اینکه تکوین آنها پروسه‌ای منظم و شامل مراحل از سرکوب و انتقال عواطف به ناآگاهی است، مجموعاً آغاز، امتداد و انجام آنها در جهان سوژکتیویته به‌وقوع می‌پیوندد. این یعنی صرفاً نمودهای کین‌توزی در دستگاه‌های مطالعه و تحقیق اثبات‌گرایی موضوعیت خواهد یافت. کین‌توزی حاصل غور در جهان سوژکتیویته و در

1. Subject-Body

◆ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی، اسراییل‌شناسی، سال هفدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۵

اساس نشانی بر مجزا بودن ساختار روان از ساختار جهان است.

با توجه به ماهیت سوپژکتیو ساختار کین توزی می‌توان اثر حتمی آن را در جهان تاریخی و پیدایش نظامات اخلاقی، عرفانی، فلسفی و حتی فلسفه‌های زندگی نیز پیدا کرد. به‌زعم شلر کین توزی در ذات اخلاق بورژوازی نهفته است (شلر، ۱۳۹۲: ۸۰) و این بدان معناست که دستاروهای مطالعه عالم سوپژکتیویته می‌تواند زوایایی که سوژه از منظر آنها چشم‌اندازانه اقدام به کنش می‌کند چه در سطح روابط بین فردی و چه در سطح کنش‌های جمعی مانند ایجاد یا دگرگونی نظام اخلاقی/ارزشی مستقر در عالم خارج یک سبک و سیاق دارد و تنها تفاوت در بعد کمی آن است. به عبارتی، براندازی یک نظام اخلاقی با روباه افسانه ازوپ که طعم انگورها را ترش می‌دانست هر دو یک کیفیت را نشان می‌دهند - کین توزی - ولی در دو سطح متفاوت افق تاریخی و سطح بینافردی.

برای تحلیل کنش‌های خشم‌آلود داعش در ذیل پارادایم کین توزی باید معدلی از کنش کین‌توزانه گرفته شود تا بتوان بر اساس آن نشانه‌هایی که دلالت بر کین توزی دارند را به فهم درآورد. براساس تحقیقات انجام شده در باب تئوری و مفهوم کین توزی در این پژوهش می‌توان معدل اقدامات کین‌توزانه را شامل کنش‌هایی دانست که در آن کنش‌گر درصدد واکنش به ناتوانی خود بوده و در واقع بر این اساس دست به کنش می‌زند. برای مثال در افسانه ازوپ روباهی که از دسترسی به انگور ناتوان است، به ناچار برای غلبه بر تنش درونی خود دست به واکنش زده و انگور را تلخ می‌خواند و از این طریق از ارزش انگور نزد خود می‌کاهد. کنش روباه در بیان طعم تلخ انگور در واقع واکنش به ناتوانی او در دستیابی به انگور شیرین است. ما دریافتیم که کنش (انکار و بی‌ارزش کردن) نوعی کنش کین‌توزانه است که در آن کنش‌گر برای غلبه بر تمنا و ناکامی سعی می‌کند تمنا را انکار کند و بدین‌خاطر است که عینیت‌یافتگی انکار تمنا در کنش روباه در انکار شیرینی طعم انگور نمود پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان در تمام کنش‌های کین‌توزانه نمادهای انکار تمنا را یافت. در ادامه تحلیل ما متمرکز بر ردیابی نمادهای انکار تمنا و شناسایی کنش‌های کین‌توزانه داعش خواهد بود.

اقدامات کین توزانه داعش

با روشن‌گری در باب معنای کین‌توزی به‌عنوان شاخص مفهومی به فهم در آوردن کنش‌های خشم‌آلود داعش، اکنون می‌توانیم نمونه‌های عینی این کنش‌ها را ذیل پارادایم کین‌توزی توضیح دهیم. به‌زعم ما قدرت توضیح‌دهندگی مان در رابطه با پدیده کشتارها و جنایات داعش صرفاً مربوط به پارادایم کین‌توزی نیست؛ چراکه تنها می‌توان پدیده‌های محدودی را در سایه این پارادایم توضیح داد و این خود گواه بر آن است که کنش‌های خشمناک داعش موارد عینی قابل توضیح پارادایم کین‌توزی هستند. در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از کنش‌های داعش در ذیل این پارادایم می‌پردازیم.

قتل جیمز فولی: در ۱۹ اوت ۲۰۱۴ داعش ویدیویی منتشر کرد که در آن یک خبرنگار تبعه آمریکا به‌نام جیمز فولی سر بریده می‌شود. (Dabiq, issue3: 4) بر اساس این ویدیو و تهدید جلاذ سیاه‌پوش، این قتل در پاسخ به حملات آمریکا و نیروهای ائتلاف به مواضع دولت اسلامی است. البته پیرامون این ویدیو و سکنس‌های آن تردیدهایی وجود دارد و به‌نظر برخی این قتل هم‌چنان مشکوک است؛ چراکه گویا ویدیو از سکنس‌های منقطع ساخته شده که خود می‌تواند نشانه نمایشی بودن این قتل باشد. اما فارغ از گمانه‌ها و تردیدهایی که پیرامون قتل فولی وجود دارد، نشانه‌ای که این کنش داعش را کین‌توزانه جلوه می‌دهد، لباس نارنجی قربانی است. لباس نارنجی رنگ پوشاننده شده بر تن اسیر داعش در ویدیویی که به منظور تهدید آمریکا منتشر شده، تداعی‌کننده زندان گوانتانامو به‌عنوان نماد بارز حقارت مسلمانان است. در تفسیر لباس نارنجی بر تن فولی می‌توان گفت این نماد نشان می‌دهد که داعش تمایلی انکار شده برای دست‌یابی به قدرت و جایگاه آمریکا دارد که بتواند بر اساس آن قدرت خود را در قالب ارتش‌های مجهز (همانند آمریکا) به هر نقطه از دنیا صادر کند. اگر نگاهی به تحرکات داعش بیندازیم، خواهیم دید که ظهور داعش به‌صورت پراکنده در نقاط مختلف جهان و همچنین مخفی شدن بسیاری از اعضای داعش در کاروان پناهجویان به اروپا نمونه‌ای ضعیف شده از این تمنا محسوب می‌شود. داعش در زیست‌جهان خود آرزوی آمریکایی شدن را دارد، اما این تمنا را در درون انکار می‌کند و بدین خاطر در بیرون نمادهای استیلای آن را تحقیر می‌کند؛ به‌طور مثال لباس نارنجی پوشیده شده بر جنازه جیمز فولی که در انتهای ویدیو نمایش داده می‌شود، گونه‌ای تحقیر و بی‌حیثیت کردن نماد قدرت و استیلای آمریکا است باید درنظر

داشت دست از کنش خوار شمردن تنها از خوارشدگان بر می‌آید.

برده‌داری عریان: بر اساس اطلاعات منتشر شده در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۹۴، ۳۵۰۰ زن و کودک در بردگی داعش به‌سر می‌برند.^۱ برای داعش به بند کشیدن زنان، تحریم آنان از دارا بودن حقوق برابر با مردان، صدور جواز تعدد زوجات و ... صورتی دیگر از کین‌توزی و واکنش علیه ارزش برابری زن و مرد و تکریم حقوق انسانی زنان به‌عنوان یکی از مظاهر اندیشه جهان مدرن است. انسان کین‌توز اگر توان تحصیل ارزش‌های معتبری که در عالم مستقر هستند را نداشته باشد، با ابداع ارزش‌های جدید و یا تمسک و تعصب بر سر ارزش‌های در دسترس و قابل اکتساب نفرت درونی خود را آشکار می‌کند. برای ذهنیت داعش آن هنگام که جهان مدرن او را خوار می‌شمارد، نیروی سرکوب شده در فرآیند بازشناسی (من - دیگری) منفعلانه به پندارها و مطلوب‌های فکری و حقوقی حمله‌ور می‌شود و دیوانه‌وار بر ارزش‌هایی تعصب می‌ورزد؛ چون این تنها راهی است که با آن می‌تواند من لگدمال شده را ترمیم کند. لذا در کنش برده‌داری و به بند کشیدن زنان تمنای حرمت داشتن، بارزش بودن و به‌طور عریان‌تر مدرن بودن مدفون است و برده‌داری به‌واقع واکنشی به تحصیل‌ناپذیری این سنخ از تمنای روانی است. تعصب ورزیدن بر احکام الهی در باب حدود و حقوق زن و تفسیر قاطعانه و تردیدناپذیر آن دلالت بر عطش تمنای بارزش بودن در داعش است.

کشتار در پایگاه هوایی اسپایکر: در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۴ نیروهای داعش به پایگاه هوایی اسپایکر عراق حمله بردند و ۴۰۰۰ دانشجوی نظامی را اسیر کردند. بر اساس گزارشات سازمان ملل داعش بین ۵۶۰ تا ۷۷۰ نفر را در اسپایکر اعدام کرد. از طرفی برآوردهای آماری از تحلیل تصاویر ماهواره‌ای دلالت بر افزایش چند برابر تعداد سربازان اعدام شده دارد.^۲ پرسش این است که چرا چنین کنش از سوی داعش سر می‌زند؟ چنان‌که از تحلیل شواهد پیشین پیداست، به‌زعم ما به‌طور عام در هر کنشی انگیزه‌ای ژرف نهفته است که اساس آن کنش محسوب می‌شود. برای ما بنابر شاخص مفهومی کین‌توزی - کنش واکنش‌مدارانه - در این کنش دو کنش (رانه) کین‌توزانه جریان دارد: یک. نخست تکانه انتقام‌جویی از

۱. تی نیوز: کدخبر ۵۶۰۶۰۷۱۴ (Tnews.ir)

۱. جهان نیوز: کد خبر ۳۹۳۷۷۴ (jahannews.com)

شیعیان است. بر اساس گزارشات منتشر شده حدود ۱۷۰۰ نفر از دانشجویان شیعه در جریان جنایات اسپایکر اعدام شدند. به‌زعم ما نفرت داعش نسبت به شیعیان تداعی‌کننده دوران تلخ استبداد دولت شیعی نوری المالکی است، در آن دوران که سایه استبداد دولت مرکزی بر سر سنی‌های ناراضی سنگینی می‌کرد هیولای داعش در حال به‌وجود آمدن بود؛ یعنی همان بنیه روانی کشتارهای فجیع داعش. در واقع جنایات وسیع و بی‌رحمانه دولت اسلامی علیه شیعیان گواه بر آشفتگی و نارضایتی درونی آنهاست که به‌واسطه زیستن در یک کشور و یک دولت و یک سرزمین در کنار شیعیان تحصیل شده است. خوی انتقام‌جویی داعش در اسپایکر روشن‌گر انرژی روانی است که به‌واسطه بازشناسی حقارت‌آمیز ازسوی دیگری، به سر حد عذاب مسدود گشته است و اکنون با پیدا کردن راهی برای برون‌ریزی و مصداق‌یابی برای تخلیه و انتقام خوشبختی و سعادت را برای داعش به ارمغان آورده است. بنابراین برانگیختگی عواطف رضایت‌بخش سنی‌های داعشی پس از کشتار شیعیان اسپایکر نیز از سنخ تخلیه انرژی واپس‌زده است که میل به انتقام‌جویی دارد؛ دو. دیگر اینکه انگیزه‌ای که خشم لازم برای کشتار دانشجویان علوم نظامی پایگاه اسپایکر را فراهم می‌کند، در اختیار نداشتن علوم و فنون نظامی است. برای درک این نکته باید داستان افسانه روباه ازوپ را به‌یاد آوریم که در آن روباه از سر بی‌زوری و ناتوانی به انکار ارزشمندی و شیرینی انگور به‌عنوان ابژه تمنای خود پرداخت. بدون شک اگر این نفی شدت بگیرد، شخص کین‌توز به (انکار زبانی) ارزشمندی ابژه اکتفا نکرده و به‌واسطه شدت کشش درونی به ابژه (توام با احساس ناتوانی) ابژه را مورد حمله و تخریب قرار خواهد داد، چنان‌که در مورد داعش در اقدام جنایات اسپایکر شاهدیم که به‌رغم فقر دانش نظامی و صنعت هوایی داعش بدان بی‌اعتنایی ورزیده و با میل افسار‌گسیخته خشم خود را بر سر دانشجویان تخلیه می‌کند.

تحریم ولنتاین: براساس اخبار منتشر شده (۲۶ بهمن ۹۴) سعید مموزینی مسئول حزب دموکرات کردستان در موصل عراق اعلام کرد: دادگاه شرعی وابسته به داعش در موصل فتوایی را صادر کرده که براساس آن هر کسی که ولنتاین را جشن بگیرد، اعدام می‌شود. بر این اساس داعش پوشیدن لباس قرمز یا انجام هر کاری به مناسبت ولنتاین را ممنوع کرده است.^۱ بر اساس پارادایم

۱. داعش نیوز: کد خبر ۲۵۵۷۷ (daesh-news.com)

کین تیزی در روان‌شناسی حکم داعش مبنی بر تحریم ولنتاین می‌توان نوعی روان‌شناسی سرکوب را نشان داد که به‌واسطه انکار تمنای درونی سعی می‌کند مظاهر ارزشمندی ابژه مورد تمنا - غرب - را بی‌ارزش جلوه دهد. به‌نظر می‌رسد انکار کردن ولنتاین به‌عنوان رخدادی درونی در جهان خارج حکایت‌گر نوعی کشش به سمت ولنتاین به‌عنوان یکی از مظاهر فرهنگ غربی است، برای روشن شدن تمنای واپس‌رانده شده در تقلاي تحریم و سرکوب ارزشمندی ابژه مورد نظر، کافی است این پرسش را در برابر این کنش داعش قرار دهیم: آیا داعش چیزی را تحریم می‌کند که نسبت به آن بی‌علاقه است؟ پی‌گیری این پرسش برای به‌فهم در آوردن ژرفای روان‌شناسی تحریم ولنتاین ذهن محقق را متوجه ارزشمندی ابژه تحریم شده می‌کند. به عبارت دیگر، این نه صرف ولنتاین بلکه ارزشمندی درونی و اثرگذاری کشش‌های درونی در تمنای ارزش‌های غربی بوده که برانگیزاننده انکار، تحریم، سرکوب و واپس‌راندن می‌شود و داعش با تحریم ولنتاین پرجذب بودن و مورد تمنا بودن آن را به نمایش می‌گذارد. اما انکار و تحریم ولنتاین توسط داعش چگونه نشان‌دهنده تمنای واپس‌رانده شده است؟ در روان‌شناسی کین تیزی دریافتیم کنش‌هایی که تحریم یا انکار ارزشمندی یک ابژه را هدف قرار داده‌اند، به‌نوعی بیان‌کننده تنش درونی فرد هستند، چنان‌که به تعبیر شلر انکار کردن یا تحریم ارزشمندی تنها راهی است که به‌واسطه آن انسان کین‌توز می‌تواند بر آشوب درونی غلبه کند و خود را از قید وسوسه‌های جذابیت ابژه‌ای که امکان دسترسی بدان برایش وجود ندارد، رها سازد. بر این اساس اگر بخواهیم کنش داعش در رابطه با تحریم ولنتاین را به رانه‌های درونی آن ترجمه کنیم، باید بگوییم: آنگاه که ولنتاین به‌عنوان یکی از اجزای فرهنگ غربی توسط داعش تحریم می‌شود، این مقابله‌جویی یا انکار کردن به‌عنوان زمینه‌ای روانی در زیست‌جهان ایشان انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، کنش تحریم ولنتاین - به زبان روان‌شناسی انسان کین‌توز - تصویری از جدال رانه‌های درونی زیست‌جهان داعش است که به‌واسطه تحریم و انکار یکی از مظاهر فرهنگ غرب کشش و جذب فرهنگ غرب یا آرزوی غربی شدن را عینیت می‌بخشد. در پایان این بخش سوالی که می‌تواند ذهن محقق را به ژرفای کنش تحریم ولنتاین و رانه‌های درونی آن هدایت کند، مجدداً طرح می‌کنیم: آیا داعش چیزی را تحریم می‌کند که نسبت بدان بی‌علاقه است؟

تخریب قبور مقدس، زیارت‌گاه‌ها، کلیساها: تخریب قبور و زیارت‌گاه‌های شیعیان و مسیحیان

از جمله کنش‌های داعش است. بنابر پارادایم کین‌توزی این دسته از اقدامات داعش در واقع واکنش به تکانه نیرومند انتقام است و بر همین اساس می‌توان آنها را کنش واکنش‌مدارانه تفسیر نمود. تخریب قبور و زیارت‌گاه‌های مقدس شیعیان و مسیحیان (کلیساها) هر کدام تداعی‌کننده بخشی از تجارب زیسته سنی‌های جهادی است که اکنون سرسختانه در برابر آن به‌عنوان یک عقده روانی به واکنش و انتقام‌جویی می‌پردازند. بر طبق پارادایم کین‌توزی، انسانی که درگیر عواطف واپس‌رانده است، مادام که عواطف واپس‌زده در ناآگاهی هستند، در جهان آگاهی خود سعی می‌کند به شیوه‌ای واکنش‌مدارانه کنش کند. بنابراین بنیاد این نوع از کنش‌های انسان کین‌توز در اساس واکنش به تجارب زیسته است که بر اساس آن افکار و خاطرات تروماتیک را واپس رانده است. بر این اساس اقدامات کین‌توزانه داعش علیه شیعیان را باید با ارجاع به تجارب زیسته سنی‌های جهادی و شیعیان به فهم در آورد. نزدیک‌ترین فکت برای تحلیل منشاء اقدامات کین‌توزانه داعش سرکوبگری‌های نوری المالکی در بعد از خروج نیروهای آمریکایی از عراق است. چنان‌که پیشتر گفته شد، با خروج ارتش آمریکا از عراق (۲۰۱۰) نوری المالکی سیاست‌های سخت‌گیرانه، سرکوب‌گرانه و بعضاً تبعیض‌آمیزی را علیه سنی‌های عراق در پیش گرفت. او به‌واسطه اخراج اشخاص برجسته اهل سنت در کابینه دولت، در زندان نگه داشتن سنی‌ها بدون احراز جرم، کشتار و سرکوب معترضان سنی و بی‌اعتنایی به حقوق سیاسی و اعتراضات مدنی آنها باعث رنجش عمیق خیل عظیمی از سنی‌های ساکن عراق شد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت سنی‌های عراق در آن زمان تا سال ۲۰۱۳ که دست به نخستین اقدام مسلحانه علیه دولت مرکزی زدند - تصرف زندان ابوغریب و آزادسازی زندانیان سنی، انبارحافظه ایشان مملو شد از تجارب زیسته حقارت‌آمیز که تداعی هر کدام از عناصر مربوط به آن (مثلاً مظاهر شیعه) می‌توانست سبب به‌یاد آوردن تجارب زیسته‌ای باشد که درونی‌ترین عواطف‌شان عبارت بود از: خشم، انتقام، نفرت علیه شیعیان. با توجه به این هیچ بعید نیست که نمادها و مظاهر شیعیان برای سنی‌های ناراضی که به داعش پیوسته‌اند، ابژه خشم و انتقامی باشد که زمانی توسط نوری المالکی سرکوب شده بود و قدرت بیان شدن نداشت و اکنون با به‌ست گرفتن سلاح در دولت اسلامی فرصت انتقام ستاندن و عرض اندام یافته

است. (PBS, 2014) هرچند که کنش‌های خشمناک در درون خود واکنش به تنفر و بیزاری از حقارت زیسته شده هستند، اما به محض دوباره تجربه کردن عناصری که تداعی‌کننده خشم و نفرت واپس‌راننده باشند، این عواطف می‌توانند خود را بر سر ایزه مورد نظر تخلیه کنند. همین فرمول در ترجمه کنش‌های تخریب‌قبور مقدس و زیارت‌گاهها به رانه‌های درونی می‌تواند در مورد تخریب کلیساهای مسیحیان و معابد آشوریان نیز به کار رود. البته با این تفاوت که ایزه خشم در آن کنش‌ها تداعی‌کننده زیسته‌های مسلمانان با مسیحیان و یا مسلمانان با یهودیان هستند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت این اقدامات داعش حکایتگر آن است که اعضا و سازمان داعش به گذشته‌ای که از سرگذارنده‌اند وابسته‌اند، اشتغال روانی آنها به گذشته از سنخ هیجان‌ات واپس‌راننده است؛ چراکه به‌محض تداعی عناصر مرتبط با آن خشم، نفرتی در ایشان شروع به جوشیدن می‌کند که خود حکایت‌گر فروخوردن خشم و نفرت در زمان‌های گذشته دارد. انسان‌ها معلول گذشته‌اند؛ (تعبیر ژان پل سارتر) گاه گذشته‌ای گزنده که با تداعی آن میل به انتقام فوران می‌کند و گاه به گذشته‌ای از جنس جنون، گاه از جنس عشق، گاه از جنس دشمنی، گاه از جنس نوع‌دوستی و ... در روان‌شناسی تخریب‌قبور مقدس و زیارت‌گاه‌ها می‌توان این را افزود که برای انسان زیسته‌هایی که منشاء بغض و انتقام محسوب می‌شوند، همواره عناصر محدودی از گذشته و تجارب زیسته را در آگاهی دارند و هرگاه در عالم خارج مصداقی پیدا شود، همه عواطف و بار هیجانی منفی همراه با آن را برون‌ریزی می‌کند، به‌طور مثال اقدام به کنش‌های پرخاش‌گرانه خواهد نمود. لذا می‌توان افزود داعش معلول گذشته‌ای است که در آن خشم‌های فروخورده و کام نیافته انبار شده‌اند و بنابراین مخزن اساسی نیروی کنش‌های خشمناک ایشان نه جهان خارج یا سیاست‌های امپریالیستی، بلکه جهان زیسته/زیست جهان ایشان است.

تاسیس سیستم پولی و چاپ اسکناس: تاسیس سیستم پولی برای به جریان انداختن فرآیندهای مبادلاتی در سرزمین‌های تحت سلطه داعش و مبادلات بین‌المللی نفت در بازار سیاه از جمله اقدامات هوشمندانه داعش است، به‌طوری که برخی را برآن داشته که داعش را تجلی عینی بلوغ و خردورزی در جریان جهانی جهاد تصور کنند. البته با این تصور که داعش شبیه به یک کل عقلانی عمل می‌کند و کنش‌های خود را براساس هدف/وسیله تفسیر می‌کند. نمی‌توان افق زیست

جهان و درونیت داعش را نمایان کرد و صرفاً می‌توان اقدامات احتمالی آنها را در تحلیل‌های رفتارشناسانه نشان داد. برخی از اساتید متفکران انگیزه داعش در کنش‌های خشمناک به قرینه اقدامات هوشمندانه آن نظیر چاپ اسکناس و تاسیس سیستم پولی و مالی برای مبادلات اقتصادی را عقلانیت معطوف به هدف یا عقل ابزاری می‌دانند برای ایشان داعش یک کل عقلانی/کنش‌گر محاسبه‌گر است. (نصری، ۱۳۹۳: ۱) البته ادعای این پارادایم راهبردی خالی از علل و مستندات نیست. برای نمونه می‌توان جریان سلفی‌های افغانستان به رهبری بن لادن را با سلفی‌های عراق و شام به رهبری البغدادی مقایسه نمود؛ در مورد نخست سلفی‌های افغانستان بدون هیچ طرحی برای ایجاد سیستم پولی و مالی به جنگ و ترور علیه کفار و شیعیان اقدام می‌کردند، اما در سلفی‌های جدید (عراق و شام) همان هدف یعنی تخریب فیزیکی دشمن وجود دارد، اما ابزار و امکانات به‌کارگرفته آن مدرنیزه شده است و برای اهداف خود از امکانات جهان مدرن نیز استفاده می‌کنند. اما با در نظر داشتن پارادایم کین‌توزی این قسم از کنش راهبردی نیز نوعی واکنش به تجارب زیسته یا همان گذشته دردناک قلمداد می‌شود. ایجاد سیستم‌های پولی و مالی یا چاپ اسکناس براساس عناصر و نمادهای خاص سیستم عقیدتی و سیاسی داعش تماماً واکنش‌مندانه است، به‌واقع نوع افراطی از واکنش به گذشته و تروماهای زیسته. ما این فرض را در برابر پارادایم کنش‌گر راهبردی قرار می‌دهیم و معتقدیم که ایجاد سیستم پولی و چاپ اسکناس اگرچه نتیجه‌نگرانه منتهی به فواید اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌های شهری است، اما انگیزه‌های کنش‌هایی از دست یک‌سره واکنش به گذشته است برای به فهم آوردن این منظور البته باید بین انگیزه و نتیجه کنش تفکیک کرد: انگیزه یک کنش بنیاد روانی کنش است که به‌واسطه گذشته و در جریان تجارب زیسته آفریده می‌شود، اما نتیجه شامل تحولات و تبعات فیزیکی و یا روانی کنش است که بعد از انجام کنش به‌وجود می‌آید. لذا طراحی سیستم‌های پولی و مالی یا اقدام به چاپ اسکناس نه خالی از انگیزه است (روان‌شناسی) و نه خالی از نتیجه (محاسبه‌گری) بنابراین تفاوت پارادایم راهبردی و پارادایم کین‌توزی صرفاً در نگرش پسینی (نتیجه‌نگری) و پیشینی (انگیزه‌نگری) است و بنابر نگرش پیشینی کنش داعش تماماً واکنش به گذشته حقارت‌آمیز و ضعف درونی است.

ارگان فرهنگی (دابق): یکی از کنش‌های داعش که صورتی مدرن و باطنی کین‌توزانه دارد، انتشار نشریه‌ای الکترونیکی به نام دابق است. انتخاب نام دابق برای این نشریه توسط داعش اتفاقی نیست. خود داعش درباره دلیل انتخاب این نام آورده است: این نام از منطقه‌ای به نام دابق در شمال حومه شهر حلب در شام گرفته شده است. در احادیث این مکان را به عنوان محل وقوع حوادث ملاحیم Malahim توصیف کرده‌اند (در انگلیسی برخی اوقات به نام آرمگدون معرفی می‌شود). یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌ها بین مسلمانان و صلیبیون در این مکان رخ می‌دهد. (Dabiq, issue1: 4)

۴۳

به زعم ما حتی انتخاب نام نشریه دابق بر اساس انگیزه‌های کین‌توزانه و دلالت بر کشش انتقام ستاندن و جنگ دارد. ابتدای جلد نخست این نشریه تصویری قرارداد شده که در آن سربازان آمریکایی شکست خورده و در حال بازگشت هستند. چنین به نظر می‌رسد که این تصویر به لحاظ روان‌شناسی کین‌توزی داعش دنباله انگیزه نام‌گذاری نشریه است. بدان معنا که در زیست جهان داعش رانه انتقام که نام دابق را برای این نشریه انتخاب کرده، در تصویرپردازی و تحلیل‌های ذکر شده در این نشریات نیز نفوذ داشته است. یک. نخست لازم است به تحلیل نام‌گذاری این نشریه بپردازیم. رانه‌های درونی کنش‌هایی نظیر جنگ و خون‌ریزی - بر طبق هر ایدئولوژی یا مکتبی هم که باشد - نیروهای واپس رانده هستند که به واسطه سرکوب شدن تبدیل به تکانه‌های انتقام و ستیزه‌جویی شده‌اند. بنابراین روان‌شناسی نام‌گذاری دابق را می‌توان به گونه‌ای از تقلای نیروهای واپس‌زده تفسیر کرد که در آرزوی دست یافتن به فرصتی برای تخلیه هستند. به یقین این سنخ از نیروها به عنوان کشاننده‌های روانی می‌توانند در قالب مفاهیم، الگوهای فرهنگی و کنش‌های خشمناک نفوذ کنند؛ چراکه طبیعتاً این دسته از امیال بشر به واسطه خشونت‌ورزی و انتقام‌جویی ارضا می‌شود. براین اساس اگر چه دابق بر طبق احادیث روایتگر رخدادی آخرالزمانی بوده، اما پرسش اساسی که ما را به فهم رانه‌های درونی انتخاب نام دابق هدایت می‌کند این است: چرا باید روایت و نام‌گذاری دابق برای داعش جذاب باشد؟ دو. دیگر آنکه در روان‌شناسی تصاویری که از سیاست‌مداران و سربازان آمریکایی در دابق منتشر می‌شود، نوعی خیال‌پردازی برای انتقام ستاندن قابل فهم است. کارکرد این دسته از کنش‌های خیالی (نقاشی، موسیقی، داستان‌نویسی) به صورت نمادین بیان‌کننده انگیزه‌های واپس رانده است، به طور مثال در جلد نخست دابق تصویر حلقه‌های

آتش که چند سرباز آمریکایی را فراگرفته است را می‌توان بیانگر تکانه‌های انتقام دانست که تمنای سراریز شدن به سمت دشمن و از بین بردن آن را در خود دارند.

اعلام خلافت اسلامی در عراق و شام: خلافت آرمان سیاسی فقهی اهل سنت و نمونه‌ای از حکومت دینی محسوب می‌شود.^۱ اما چگونه ممکن است که این شکل از حکومت تبدیل به خواست و مطلوب جمعی شده و به دنبال تنش‌های کین‌توزانه در سطح زیست جهان و در اساس به‌واسطه آن و برای واکنش بدان برانگیخته شود؟ کنش تاسیس دولت اسلامی و خلافت در روان‌شناسی کین‌توزی عناصر متعددی از سنت و مدرنیته را در خود دارد، به‌طور مثال عبارت دولت اسلامی یا تاسیس خلیفه به‌عنوان بالاترین نهاد تصمیم‌گیرنده در سطوح حساس مدیریتی گواه از ترکیب رانه‌های متعددی است. اما چگونه می‌توان فهمید این رانه‌ها براساس ماهیت روان‌شناختی کین‌توزانه هستند؟ به‌زعم ما به‌واسطه آنکه رانه‌های کنش تاسیس دولت اسلامی و خلافت واکنش مدارانه سربرآورده‌اند، بنابراین تحت هدایت انگیزه‌های کین‌توزانه تاسیس و مدیریت می‌شوند. برای همین تنها معرفی و شناساندن نشانگان واکنش‌مدار بودن این کنش برای به فهم در آوردن کین‌توزانه بودن آن کفایت می‌کند. نخستین نشانه عبارت است از جریان داشتن رانه خشم در اجرای فرامین حکومت و تصلب سازمانی، به‌طور مثال اجرای حدود شریعت و یا قصاص و انجام فرامین الهی درباره بردگان و غنایم جنگی به‌گونه‌ای تلافی‌جویانه توأم با خشونت مرگ‌بار انجام می‌شود. گرایش به انجام کنش‌های خشمناک مایه‌های روانی خود را از زیست جهان دریافت می‌کنند؛ چراکه هیچ مکتب و اندیشه‌ای نمی‌تواند انگیزه‌های خشن را به سبک و سیاق داعش در روان آدمی تزریق کند. لذا تنها ترجمه کنش تاسیس دولت اسلامی و خلافت به زبان رانه‌ها روشن‌گر نفوذ رانه خشونت در سطوح سازمانی و اعتقادی داعش است. دومین نشانه کین‌توزانه بودن تاسیس دولت اسلامی و خلافت بهره‌گیری از تاکتیک راهبردی تخریب دیگران و گمراه خواندن ایدئولوژی و دولت‌های دیگر است. دولت اسلامی خود را بهترین نماینده اسلام می‌داند. در روان‌شناسی این شعار می‌توان گفت بهترین بودن به‌واقع نوعی بیان نیاز برای بهتر بودن است.

۱. مستندی از قلب خلافت داعش: العالم (fa.alalam.ir)

تعبیر بنیادین این شعار در دولت اسلامی به‌عنوان بهترین دولت - و به تبع به‌عنوان بهترین پیروان - همواره صورتی موجه از نیاز به بهتر بودن است، اما بهتر بودن نیز همواره بهتر بودن از کسی است؛ چراکه نیازهای بنیادین و تنش‌های حاصله از آن امتداد تجارب زیسته هستند که در آگاهی‌مان در قالب نیازها، انگیزه‌ها و تعصب‌ها جنبش می‌کنند. به‌معنای دیگر ساختار روانی داعش در طول زمان و به‌واسطه تجارب زیسته شکل گرفته است؛ یعنی داعش مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی زمان‌مندانه به‌وجود آمده است. بنابراین اگر بناست آنگونه که در شعارهای خود نشان می‌دهند بهتر باشد، باید ببینیم که اراده او می‌خواهد که از چه کسی بهتر باشد؟ تاسیس دولت اسلامی به‌عنوان تجلی عینی تمنای بهتر بودن، نمایان‌گر فقر درونی و نیاز برای جبران این فقر است. در واقع داعش در واکنش به فقر درونی - تمنایی از سر بی‌زوری و ناتوانی - دست به تاسیس دولت اسلامی عراق و شام زده است. باید به‌یاد داشته باشیم که خیل عظیم سنی‌های ناراضی بعد از خروج آمریکا از خاک کشور عراق در برابر ظلم‌های نوری المالکی هیچ یآوری نداشتند مگر پیروان القاعده و در واقع آنها با چنگ آویختن به دامان القاعده توانستند قدرت مقابله با دولت شیعه مالکی را به‌دست آورند، بنابراین تمنای بهترین بودن در زیست جهان داعش صورتی آرمانی‌تر از بهتر بودن و توانمندتر بودن از دولت نوری المالکی است.

تخریب آثار باستانی: آثاری که از گذشته به یادگار مانده است، برای رشد و توسعه جهان مدرن و علوم انسان‌گرا بسیار اهمیت دارد و کنش تخریب آثار باستانی نوعی بی‌اهمیت جلوه دادن این ارزش است. به عبارت دیگر، اگر بخواهیم گزاره «آثار باستانی برای ما اهمیت بسزایی دارند» را برداشت جهان مدرن از آثار و بقایای به‌جا مانده از گذشته در نظر داشته باشیم، کنش تخریب آثار باستانی دقیقاً گزاره‌ای در جهت عکس‌انگاره جهان مدرن را در خود دارد: آثار باستانی نه‌تنها هیچ ارزش و اهمیتی ندارند، بلکه نماد شرک نیز هستند. در مستندات تصویری که داعش در اینترنت منتشر کرده است، تخریب آثار باستانی را همواره پس از خواندن آیات قرآن و احادیثی مبنی بر شرک‌آلود بودن این آثار و مصنوعات انجام می‌دهند (Dabiq, issue 11: 32)، باید بگوییم که نکته روشن‌گر کین‌توزانه بودن کنش تخریب آثار باستانی در متصل کردن کنش به متن مقدس نهفته است. به عبارت دیگر پرسشی که ما را در برابر معمای تخریب آثار باستانی به پاسخی روشن

می‌رساند، عبارت است از اینکه: چرا باید کنش تخریب آثار باستانی به متن مقدس پیوند زده شود؟ در این دست از کنش‌های داعش می‌توان نوعی تردید و دوسویگی رانه‌ها را به فهم در آورد، بدان معنی که دو دسته کنش در افق زیست جهان ایشان جریان دارد و در هر کنش گزاره‌ای نهفته است - در یکی گزاره مدرن درباره آثار باستانی و دیگری گزاره مطلوب داعش - اما به واسطه آنکه پیروان داعش در سایه دولت اسلامی هستند، به تبع فرصت برآوردن ارضای کنش ضدمدرن بیشتر از کنش مدرن مهیاست. ایشان برای اینکه کار خود را فضیلت معرفی کنند، باید کنش خود را به فضیلت‌های متن مقدس پیوند بزنند؛ چراکه تنها به این طریق می‌توانند میان رانه‌های متضاد در پهنه زیست جهان قضاوت کنند و جانب یکی را به واسطه دفع دیگری بگیرند. بر این اساس کنش تخریب آثار باستانی نیز واکنش به رانه مدرن است که به واسطه پیوند با متن مقدس رانه مدرن یک‌سره در زیست جهان سرکوب شده و فرصت بیان شدن را پیدا نخواهد کرد.

حذف مرزها: داعش برای توسعه قلمرو حکمرانی خود برنامه‌ای بلندمدت دارد. در نقشه‌ای که توسط داعش در اینترنت منتشر شده، نوعی تقسیم‌بندی انجام گرفته که می‌توان آن را تداعی‌کننده میل به بازسازی سرزمین‌های تحت سلطه مسلمانان در صدر اسلام دانست، اما در اساس این نقشه و ذهنیتی که در پس آن قرار دارد گونه‌ای کنش کین‌توزانه است که توسط رانه‌های بنیادین هدایت می‌شود.^۱ در این نقشه تمام سرزمین‌های اسلامی به واسطه رنگ سیاه نشان داده می‌شود؛ در روان‌شناسی کاربرد این رنگ می‌توان نوعی دل‌زدگی و ناکامی را حدس زد. با این قرینه که زمانی که داعش این نقشه را طراحی کرده است، تمام ممالکی که سعی در ترسیم و رنگ‌آمیزی‌شان داشته - مگر بخش کوچکی از آن - از دسترس اراده قدرت‌طلبی ایشان خارج بوده است. با توجه به این قرینه می‌توان رنگ‌آمیزی سیاه این نقشه را نوعی آرزومندی در قبال بازگرداندن شکوه امپراتوری اسلامی و نیز دل‌زدگی از وضعیت کنونی دانست. به‌علاوه برای فهم روان‌شناسی بی‌اعتنایی داعش به مرزهای بین‌المللی باید این پرسش را پی‌گیری نمود که: چرا داعش مرزبندی‌های صدر اسلام را به‌عنوان نقشه آینده تصرفات خود معرفی می‌کند؟ برای به‌دست

۱. خبرگزاری ابنا: کد خبر ۶۴۳۹۲۰ (fa.abna24.com)

آوردن پاسخ باید به این نکته توجه داشته باشیم که داعش به واسطه پیش کشیدن مرزهای صدر اسلام به نوعی ارزش‌های مرزهای کنونی را مخدوش کرده و آنها را در نزد خود و پیروان خود بی‌اعتبار جلوه می‌دهد. در این نقطه است که واکنش کین‌توزانه رقم می‌خورد؛ یعنی افزودن ارزش چیزی با کاستن ارزش چیز دیگری یا واکنش علیه ارزشمندی چیز دیگری. علاوه بر این، به‌منظر می‌رسد تفسیر پیش کشیدن مرزهای صدر اسلام و بی‌اعتبار کردن مرزهای کنونی با روان‌شناسی رنگ نقشه هماهنگی دارد؛ زیرا چنان‌که پیشتر گفته شد، اگر سیاهی رنگ نقشه نماد تمنای واپس رانده است، از سویی نیز پیش کشیدن مرزهای اسلامی برای بی‌اعتنایی به مرزهای بین‌المللی کنشی از اساس واکنش‌مدارانه و کین‌توزانه محسوب می‌شود؛ چراکه دل‌زدگی و آرزومندی دلایل روان‌شناختی برای کنش واکنش‌مدارانه به حساب می‌آیند.

تدارک بوروکراسی: دیوید کیلکولن کارشناس مبارزه با تروریسم می‌گوید: داعش خطرناک‌ترین گروه تروریستی جهان است چراکه قابلیت‌های جنگی القاعده را با قابلیت‌های اداری ترکیب کرده است. کاملاً مشخص است که این گروه برنامه دولت‌سازی را در دستور کار دارد و اهمیت حاکمیت موثر را درک کرده است^۱ تاسیس بیمارستان، اوراق مخصوص مکاتبات اداری، دادگاه، پلیس امنیت شهری، بانک، مبادلات اقتصادی، سیستم آب و فاضلاب شهری، کارگاه‌های تولید نان، کاشت غلات و... از جمله اقدامات داعش است که دلالت بر جدیت آن برای تلفیق بوروکراسی و تروریسم دارد، اما باید توجه داشت تفاوت نکته کیلکولن با تحلیل‌های پارادایم کین‌توزی درباره تاسیس بوروکراسی به این مربوط می‌شود که کارشناسان تروریسم کنش‌های کنش‌گران داعش را دلالتی برای مطالعه ذهنیت تروریست‌ها می‌گیرند، این در حالی است که به‌زعم پارادایم کین‌توزی ذهنیت و زیست جهان داعش راهنمای مطالعه کنش‌های خشمناک و تروریستی خواهد بود. پیشتر در تحلیل تاسیس دولت و خلافت نشان دادیم که رانه خشم در سیستم‌های اداری و دولت‌مداری داعش جریان دارد و این را گواهی بر کین‌توزانه بودن کنش‌های ایشان در نظر گرفتیم. اما تاسیس بوروکراسی اقدامی وسیع‌تر از تاسیس دولت یا اعلام خلافت است و البته بر این امر مهم دلالت دارد که داعش تلاش دارد خود را به سطح یک دولت مدرن ارتقا

۱. فرارو: کدخبر ۲۰۳۱۸۴ (fararu.com)

دهد. از طرفی تاسیس بوروکراسی از سوی داعش علاوه بر اینکه دلالت بر پذیرش قدرتمندی و برتری تمدن غربی است، گواه بر نوعی اراده به قدرت یا عطش قدرت در کنش مدرن سازی تروریسم در سازمان داعش دارد. می توان کنش مدرن سازی تروریسم که در تاسیس بوروکراسی تجلی یافته را برآیند رانه های انتقام به حساب آورد که به واقع در صورتی واکنش مدارانه علیه واماندگی و بی زوری خویش کنش می کنند. به زعم ما عواطف فعال در زیست جهان داعش ایشان را به واکنش مجبور می کند، چنان که کنش مدرن سازی تروریسم توسط داعش نوعی واکنش به عقب ماندگی و بی زوری است به واقع اگر پیش از مدرن سازی داعش مسلمانان جهادی را با عنوان مسلمانان ضعیف، مسلمانان بی زور، مسلمانان عقب مانده، مسلمانان ناتوان، مسلمانان بی دفاع، مسلمانان حقیر، مسلمانان بی پناه، مسلمانان آوره می شناختند، اکنون واکنشی جمعی به نام دولت اسلامی سعی می کند با مدرن سازی و تلفیق تروریسم و ساختار دولت های جدید به نوعی به ناتوانی و بی زوری مسلمانان و شیخ ضعف که بر سر مسلمانان جهادی سایه انداخته، پایان دهد.

عملیات پاریس: در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ چند حمله تروریستی هماهنگ شده از سوی دولت اسلامی در پاریس انجام شد. علاوه بر شوک روانی که نتیجه اصلی این رخداد بود، ۱۳۰ نفر کشته و ۳۶۰ تن مجروح شدند. اما چگونه می توان نفرت درونی تروریست های داعشی را بر اساس این حوادث به فهم آورد؟ در روان شناسی کنش انتحار نمی توان هیچ نوع ردی از کین توزی یافت؛ چراکه تکانه انتقام جویی به واسطه این کنش تخلیه می شود، اما حامیان این کنش و کسانی که مدافع و حمایت کننده کنش انتحار هستند، روانی نفرت افروز دارند و تکانه انتقام در آنها به هیولوارترین شکل جولان می دهد. در روز پس از حوادث تروریستی پاریس در اینترنت تصاویری منتشر شد که در آن اعضای داعش را در حال توزیع شیرینی نشان می داد و به خاطر انجام دادن حوادث پاریس به مردم تبریک می گفتند. این شادی در نوع خود عمیقاً کین توزانه است؛ چراکه بر اساس نوعی همانندسازی با کنش گران تروریستی پاریس بنیاد یافته بود. بدین معنا که اعضای داعش در عراق و سوریه به واسطه آنکه هم چنان بی کنش بودند و تکانه انتقام هم چنان در ایشان زبانه می کشید، فرصت به کنش تبدیل شدن را نداشت. لذا صرفاً می توانستند از کنش های انتقام جویانه حمایت کنند. در کنش انتحاری تکانه نفرت به سرانجام خود می رسد و انتقام خود را از زورمندان (به تعبیر نیچه) می ستاند، اما در کنش شادی پس از سلسله عملیات انتحاری پاریس

همچنان تکانه انتقام زبانه می‌کشید و به واسطه این نوعی احساس نیاز در همانندسازی با کنش‌گران انتحاری منجر بدان شد که شادی عمیقی در روان داعشیان در سوریه و عراق پدیدار شود. شاید بهترین گزاره برای وصف درونیت داعشیان عراق و سوریه این باشد اکنون که شما صلیبیان را کشتیم پس ما هم زورمندیم و در برابر شما ما هم صاحب قدرت به حساب می‌آییم. بی‌شک نیروی انتقام‌جویی در داعشیان دولت اسلامی تخلیه نشده است و شادی آنها گواه بر حضور این نیروی انتقام‌جویی و نفرت‌افروزی داشت؛ چراکه این شادی را در برابر اندوه اروپاییان به دست می‌آوردند و در تصور ایشان این اندوه سزاوار شاد شدن را داشت. کافیسست پپرسم چرا اندوه اروپاییان می‌تواند به داعش شادی دهد؟ آنگاه در خواهیم یافت که؛ چون داعش به دنبال واکنش در برابر احساس ضعف و ناتوانی درونی است که بدان دچار شده، وضعی که هرگز نمی‌تواند از آن رهایی یابد؛ چراکه در حملات پاریس کنش‌گران انتحاری از تنش‌های کین‌توزانه رهایی می‌یابند، اما کنش‌گران شادی پس از حملات پاریس هم‌چنان در بند تنش‌های کین‌توزانه و کنش و واکنش‌مدارانه علیه آسیب‌های روانی خویشتن باقی خواهند ماند.

سلاخی مخالفان: داعش در یکی از کنش‌های خشمناک خود از جنازه دشمنان به‌عنوان خوراک سگ‌ها استفاده کرده و تصاویر آن را دست اینترنت منتشر نموده است.^۱ سوال اصلی در رابطه با این کنش عبارت است از اینکه: چگونه و براساس کدام نشانه این کنش دلالت بر روانی نفرت‌افروز و کینه‌توز دارد؟ به‌زعم ما می‌توان در این کنش ابعاد کین‌توزانه را استنباط نمود. در روان‌شناسی کین‌توزی شکل‌گیری این وضعیت ناشی از سرکوب تکانه‌های خشم‌آلود است. این تکانه می‌تواند از همه احساسات منفی مانند حسادت، نفرت، حقارت و... آغاز شود، اما در امتداد آن تنها به‌واسطه سرکوب این عواطف منفی می‌توان انتظار تکوین وضعیت کین‌توزی را داشت. در روان‌شناسی کین‌توزی نیروی سرکوب شده از ابژه اصلی که مقصود اصلی و اولیه تکانه خشم بوده جدا شده و پس از آن می‌تواند در شرایط مناسب به هر ابژه‌ای سرازیر شود. (به تعبیر شلر) البته باید در نظر داشت که واپس راندن باید از سر ضعف و ناتوانی باشد نه به‌خاطر کنش‌های اخلاقی یا رعایت دستورات دینی. در کین‌توزی نیز چون عواطف منفی مجموعه‌ای از افکار ناآگاهانه هستند و هیچ کنش انتقادی در

۱. ارایگان: کد خبر ۱۵۸۰۲۳ eraygan.com

ارتباط با فهم زیسته‌های ناآگاهانه جریان ندارد لذا انرژی روانی با خصلتی انتقام‌جویانه همواره به عالم خارج و ارزش‌های والای آن سرازیر می‌شود. در این وضعیت است که فرد دچار کورارزشی می‌شود (به تعبیر شلر). در کنش خوراندن گوشت دشمنان به سگ‌ها وضعیت کین‌توزانه را می‌بینیم که در آن پس از کشتن دشمن، نفرت‌افروزی و انتقام‌جویی به‌عنوان یک احساس منفی دفع نمی‌شود و آگاهی جنگجوی داعشی خود را حتی پس از مرگ دشمن درگیر عواطف انتقام‌جویانه می‌یابد. این کنش در واقع نشانه‌ای روان‌شناختی از وضعیت کین‌توزی دارد: بدین‌صورت که نیروی روانی منفی - حسادت، حقارت، انتقام یا نفرت - نه‌تنها دفع نشده، بلکه شدت یافته و سعی می‌کند حتی پس از کشتن دشمن هم‌چنان از بدن بی‌جان او انتقام بگیرد این دلالت بر آن دارد که کنش داعش واکنش به حمله نظامیان بشار یا نیروهای بسیج مردمی عراق نیست بلکه واکنش به خودشان است. آنها در خود و با خود چیزی از سنخ عواطف انتقام‌جویانه دارند که اجازه سالم زیستن در کنار دیگران را به آنها نمی‌دهد - به تعبیر نیچه - بی‌شک تنها نیرویی واپس رانده و تا سرحد عذاب مسدود شده هرگاه در لوای ایدئولوژی یا سازمان ویژه‌ای فرصت تجلی پیدا کرد، هرگز آرام نخواهد گرفت؛ چراکه شاخ و برگ‌های آن تا اعماق ناآگاهی ریشه دوانده است. به‌واسطه این نفرت ریشه‌دار در روان فرد است که جنایات هولناک و قتل‌های تهوع‌آور انجام می‌گیرد. بنابراین کنش‌های داعش و به‌خصوص کنش خوراندن گوشت جنازه دشمنان به سگ‌ها - به‌عنوان نمادی از تحقیر و به افتضاح کشاندن دشمن - تنها از درون زیست جهان پرآشوب و به جنون کشیده برمی‌خیزد و خود این کنش دلالت آشکار زیست جهانی پرآشوب است.

شیوه‌های نوین اعدام و شکنجه: در اینترنت تصاویر متعدد شیوه‌های تازه اعدام توسط داعش منتشر شده است که به‌واسطه آن جان قربانیان خود را به طرق گوناگون می‌ستانند. ما برای نشان دادن کین‌توزی - یا همان کنش واکنش‌مدارانه - به تحلیل دو جنبه از این کنش اقدام می‌کنیم. به‌زعم ما در کنش ابداع شیوه‌های نوین اعدام دو جنبه قابل تحلیل وجود دارد که از رهگذر واکاوی آن می‌توان رگه‌های کین‌توزی در این کنش را به فهم درآورد. یک. نخستین جنبه اصل کنش شیوه‌های نوین اعدام است. برای فهم مایه روانی این کنش باید پرسید چه کسی می‌تواند شیوه‌های تازه‌ای برای اعدام ابداع کند؟ خصلت خشن و جنایت‌کارانه این کنش دلالت مهمی برای بنیه‌های

روانی ابداعگر و کنش‌گر آن است. اما تقلای به‌دست آوردن شیوه‌های تازه برای کشتن اسیران جنگی یا غیرجنگی همواره در عمق خود نشانه‌ای از تمنایی آرزومند است که هرچند میل به کشتن دارد و بدان اقدام می‌کند، اما پس از اقدام به کشتن باز هم با تمنایی ارضا نشده و تسکین نیافته مواجه است. خصلت روان‌شناسی ابداع شیوه‌های نوین تمنایی آرزومند است که به‌واسطه خصلت آرزومندی هرگز ارضا و تسکین نخواهد یافت، حتی اگر انتقام ستاندن را به‌واسطه شیوه‌های متفاوت و ابزارهای گوناگون و تهوع‌آور انجام داده باشد. لذا اصل کنش ابداع‌گری شیوه‌های اعدام و کشتار قربانیان نوعی تکانه انتقام‌جویی بی‌پایان است که کشتارها و قتل‌های پی در پی شدت انتقام‌جویی آن را کاهش نمی‌دهد. دو جنبه دوم شیوه‌های نوین اعدام است که نیاز است با روان‌شناسی کین‌توزی به تشریح آن بپردازیم. هر کنش‌گر بیان‌کننده زیست‌روانی خویش است که گاهی برای بیان آن از قلم استفاده می‌کند، گاهی با زبان و گاهی به‌واسطه کنش به همین دلیل است که کنش‌گران را باید فهمید یا به فهم در آورد. از این زاویه نگرش هر کنش‌گر مانند نویسنده یک رمان است که بر اساس این تمثیل می‌توان واژگان رمان را به کنش‌های او تشبیه کرد که سعی دارند چیزی به ما بگویند. ما برای فهم جنبه دوم کنش شیوه‌های اعدام از این پیش‌فرض استفاده می‌کنیم. بر این اساس باید هرکدام از شیوه‌های اعدام را به‌عنوان دلالتی از زیسته‌های داعش تفسیر کنیم. یکی از شیوه‌های جدید اعدام استفاده از گردنبند انفجاری است: براساس پیش‌فرض در نظر گرفته باید این کنش را به زیسته‌های داعش - که متشکل از سنی‌های عراق و نیروهای القاعده هستند - ارجاع دهیم. گردنبند انفجاری می‌تواند تداعی‌کننده طناب‌های اسارت شکنجه‌گاه ابوغریب باشد. امروز هر محقق با جستجو در اینترنت با تصاویر متعددی از شکنجه نیروهای سنی عراقی برخورد می‌کند که توسط شکنجه‌گران آمریکایی به بند کشیده می‌شدند. این تجارب می‌تواند در ناآگاهی داعش به مانند الگویی برای مقابله به مثل و انتقام‌جویی در سطح آگاهی پدیدار شود. منفجر کردن اتومبیل حامل قربانیان توسط آر. پی. جی از دیگر شیوه‌های نوین اعدام است. این الگوی تخلیه خشونت با توجه به خصلت کین‌توزانه داعش می‌تواند از تجارب حمله آر. پی. جی‌های دشمن گرفته شده باشد. برای درک چرایی کنش‌هایی از این دست، باید توجه داشته باشیم که جذبه این کنش‌ها در واکنش‌مدارانه بودن آن نهفته است؛ چراکه تنها به‌واسطه

این واکنش می تواند بر تنش برخواسته از زیسته‌های نفرت زا غلبه کند. سومین شیوه اعدام داعش خفه کردن در آب است. این روش کشتن قربانیان تداعی کننده شیوه‌ای از آزار و شکنجه فیزیکی شکنجه‌گران آمریکایی است که در آن پارچه‌ای را بر روی صورت قربانی انداخته و آب بر روی آن می‌ریزند، به گونه‌ای که قربانی برای چند ثانیه قدرت تنفس را از دست می‌دهد و به واسطه شدت تنگی نفس او را وادار به اعتراف می‌کنند. در نهایت براساس پیش فرض اصلی تحلیل شیوه‌های کین‌توزی می‌توان چنین برداشت نمود که ابداع شیوه‌های اعدام در واقع واکنشی انتقام‌جویانه علیه تجاری است که در دوران اشغال عراق توسط آمریکا زیسته شده است.

سیاست انرژی: یکی دیگر از اقدامات کین‌توزانه داعش کنش منفجر کردن چاه‌های نفت است. بنابر گزارشات منتشر شده داعش با پیشروی در جنوب کرکوک چاه‌های نفتی این منطقه را هدف حمله قرار داده است. مشابه همین اقدام در رابطه با چاه‌های نفت تکریت انجام شد. حتی دامنه این کنش کین‌توزانه به لیبی نیز رسید و به دنبال آن خسارت‌های زیادی به چاه‌های نفتی در بندر صدر وارد شد.^۱ اما چگونه این اقدام به مثابه کنش کین‌توزانه فهمیده می‌شود؟ برای فهم پاسخ باید کنش را از رهگذر روایتی معروف به نام افسانه ازوپ تحلیل کرد. در این داستان روباه که تمنا به دست آوردن انگورهای شیرین را در وجود خود احساس می‌کند، بعد از مواجه شدن با ناتوانی‌اش در به دست آوردن انگورها شروع به انکار ارزشمندی انگور می‌کند و اینکه انگور اصلاً شیرین نیست بلکه ترش است و خوردن آن می‌تواند اسباب ناراحتی باشد! این کنش روباه که حکایت از واپس راندن تمنا و تحریف ارزش‌های واقعی انگورهاست، مشخصاً کنش کین‌توزانه محسوب می‌شود. شباهت کنش‌گری داعش به روباه افسانه ازوپ در آن است که هر دو سعی دارند آنچه را که تمنا دارند انکار کنند، به‌طور مثال اگر روباه انگورها را انکار می‌کند دقیقاً به‌خاطر آن است که در درون خود آنها را تمنا می‌کند و چون خود را ضعیف‌تر از آن یافته که بدان‌ها دست یابد لذا به انکار ارزشمندی انگور اقدام می‌کند، از سویی داعش نیز در عین اینکه برای تقویت زیرساخت‌های شهری و اقتصادی خود به نفت نیاز دارد و مثلاً در شهرهایی مانند دیرالزور به استخراج نفت و

۱. شفقنا: کدخبر ۷۸۰۶۲ (shafaqna.com)

فروش آن در بازار سیاه اقدام می‌کند در مناطقی که تحت سلطه و نفوذ او نیست و از طرفی دارای چاه‌های نفتی با ارزش نیز هست، اقدام به تخریب و آسیب‌رسانی می‌کند. این کنش دقیقاً دو خصیصه بنیادین کین‌توزی یعنی ضعف و تمنا را در خود دارد؛ بدان معنا که تمناى نفت و خواستن آن محرز است و از سوی دیگر به‌واسطه ناتوانی از دست‌یابی بدان سعی می‌کند آن را انکار یا تخریب کند.

فناوری کشتار جمعی: داعش در موارد متعددی علیه نظامیان و غیرنظامیان از سلاح‌های سمی و شیمیایی استفاده کرده است، به‌طور مثال در برابر پیشروی‌های ارتش سوریه در منطقه جبل حید برای بازپس‌گیری شهر تدمر علیه نیروهای سوریه پنج خمپاره استفاده کرد که در آن از فسفر زرد استفاده شده بود که در نوع خود سلاح سمی به حساب می‌آید.^۱ همچنین برای جلوگیری از پیشروی‌های نیروهای عراقی در شهر تکریت از سلاح شیمیایی حاوی گاز کلر و نیترات آمونیوم استفاده شد که در نوع خود سلاح شیمیایی مخربی محسوب می‌شود. در موردی دیگر- ژانویه ۲۰۱۵- داعش با استفاده از راکت‌های حامل مواد شیمیایی سعی داشت مانع پیشروی‌های پیش‌مرگه‌های کرد در جنوب اربیل شود، در این راکت‌ها از گاز کلر استفاده شده بود. کنش کاربرد سلاح شیمیایی چه علیه نظامیان و چه غیر نظامیان توسط کنوانسیون ۱۹۰۷ ممنوع اعلام گردید و دولت‌هایی که در جریان جنگ جهانی از آن استفاده کردند، به‌عنوان جنایتکاران جنگی به حساب آمدند. اما داعش با کدام انگیزه به سراغ کنش کاربرد سلاح‌های شیمیایی می‌رود؟ اگر پیش‌فرض «کنش‌های فرد کین‌توز از سر واکنش به ناهنجاری‌های عاطفی در لایه‌های عمیق خویشتن است» را در نظر داشته باشیم، کاربرد سلاح شیمیایی را نه صرفاً در رابطه با دفع پیشروی‌های دشمن، بلکه باید در واکنش به نیازی درونی تفسیر کنیم. بر این اساس کنش کاربرد سلاح شیمیایی توسط داعش در بنیاد لایه‌های خود نوعی واکنش علیه بی‌زوری است. داعش آنگاه که در برابر پیشروی‌های نیروهای دشمن برای دفع آنها خود را ناتوان یافته، دست به این کنش می‌زند. کنش کاربرد سلاح شیمیایی واکنش علیه کنش دشمن نیست، بلکه واکنش به درونیت زیسته داعش است. مضمون این درونیت،

۲. ایسنا: کدخبر ۹۵۰۱۰۶۰۱۰۹۴ (Isna.ir)

ناتوانی، بی‌زوی، فروریختگی و بی‌مایگی بوده و به همین سبب تقلای داعش برای دست و پا کردن مقادیر اندکی فسفر زرد، آمونیوم و گاز کلر را ایجاب می‌کند.

پایه‌ریزی ارتش مکتبی و جهاد جهانی: داعش تصاویر متعددی در اینترنت منتشر کرده که حکایت از در اختیار داشتن تانک‌های زره‌ای M1 آبرامز و ترتیب دادن رژه‌های نمادین به منظور نوعی قدرت‌نمایی است^۱ که البته بر روان‌شناسی نیاز به قدرت یا به تعبیر نیچه فقر قدرت‌یابی زوری مبتنی است. براساس تصاویر منتشر شده در اینترنت، داعش سعی نموده با تدارک پیاده‌نظام سنگین متشکل از نیروهای رزمی، تک‌تیرانداز، خمپاره انداز، راکت، موشک‌های دوربرد مانند هامر و اسکاد آمریکایی، نیروهای مخفی برای زمان اضطراری به‌نام جیش خلافه یا جیش دابق، جذب تکنیسین‌های ارتباط، مترجم‌های زبان‌های فارسی، کردی، ترکی، المانی، و انگلیسی برای رمزگشایی و ترجمه پیام‌های رادیویی، هواپیما و پهباد، توپ هریترز M198، موشک‌های ضد تانک و پدافندهای هوایی ایگلا و گرینچ ارتشی مدرنیزه فراهم آورد. از سوی دیگر داعش برای ایجاد ارتش مدرن علاوه بر فروش نفت در بازار سیاه، کمک‌های مالی شیوخ سنی حاشیه خلیج فارس که از زمان اعتراضات سنی‌های عراقی از دولت مرکزی شیعه نوری المالکی نیز آغاز شده بود را نیز داشت، بنابراین از همان ابتدا امکان مدرنیزه کردن ارتش توسط داعش پیش‌بینی می‌شد. اما بر طبق روان‌شناسی کین‌توزی برگردان تقلای گروه تروریستی برای دست‌وپا کردن امکانات و تجهیزات تسلیحاتی جهان مدرن دلالت بر درنگی معنادار در نفی ظاهری تمدن غرب در شعارها و تبلیغات داعش است. جذاب بودن ابژه مورد تمنا آنگاه که با موانع درونی و بیرونی مواجه شود، نیروی حاصله از تمنای ابژه را اینبار در جهت انکار آن مجهز می‌کند. انکار کردن برای فرد کین‌توز کنش بسیار پیچیده است؛ چراکه معنای درونی آن - به سبب واکنشی بودن کنش - به طور شفاف بیان نمی‌شود و به‌علاوه کنش‌گر سعی می‌کند از لایه‌ها و ظواهر متعددی بر روی کنش و برای پوشاندن واکنشی بودن آن استفاده کند. بدین خاطر فهم معنای آن در ابتدا و با تمرکز بر سطح - مشاهده کنش - ممکن نیست. برای ما تقلای دوگانه داعش در مدرنیزه نمودن ارتش از سویی و

۱. داعش نیوز: کدخبر ۲۰۶۳۵ (Daesh-news)

نفی تمام تمدن غربی به‌عنوان یک انحراف بزرگ در یافتن راه رستگاری نوعی دودلی در برابر نفی غرب است. به عبارت دیگر، اگر غرب به‌واسطه انحراف و شرک‌آلود بودنش محکوم به عدم است، اما بر اساس کنش تجهیز نمودن ارتش بر اساس امکانات و اسباب جنگی مقصودی خواستنی و ابژه تمنای درونی به‌حساب می‌آید. این دوگانگی داعش در کنش تجهیز نمودن ارتش به فناوری مدرن دوگانگی رانه‌های روانی آنها را نشان می‌دهد: از سویی غرب ابژه‌ای منحصر به‌فرد است و برای اراده کردن و تحصیل نمودن مطمئن و جذاب به‌حساب می‌آید، اما از سوی دیگر ما در برابر آن ضعیف هستیم و باید موقعیت خود را استحکام ببخشیم. این دو عبارت در واقع اندیشه‌های زیسته داعش هستند که در ارتباط با غرب به‌عنوان ابژه خواستنی/ارزشمند و شرک‌آلود و قابل نفی شکل می‌گیرد. در فهم دوگانگی تمنای داعش باید گزاره سطحی داعش درباره غرب را در نظر داشته باشیم؛ غرب شرک‌آلود و قابل نفی است و رگ و پی روانی آن را تحلیل کنیم و بپرسیم چرا که غرب قابل نفی است. باید توجه داشته باشیم که نفی غرب نتیجه است و لذا نمی‌تواند بیان‌کننده بنیادهای روانی کنش‌گر باشد، بلکه باید با پی‌گیری چرایی کنش به درونیتی که داعش درصدد واکنش بدان است، آگاه شویم.

افتتاح دفاتر توبه: بنابر گزارشات منتشر شده در سال ۱۳۹۳ داعش روزی را به‌نام روز بخشش اعلام کرده و با دایر کردن دفاتر توبه از مردم و کارکنان مخالف داعش درخواست کرده است که خود را معرفی و درخواست توبه کنند. جالب است که برای کسانی که توبه می‌کنند مدرک توبه - فیش‌های کاغذی - صادر می‌شود، به‌طوری که به‌واسطه آنها می‌توانند حمایت خود را از دولت اسلامی ابزار نمایند.^۱ به‌زعم روان‌شناسی کین‌توزی کنش، افتتاح دفتر توبه به‌خودی خود ماهیت کین‌توزانه دارد و گواهی محکم برای ادعای ما مبنی بر کین‌توزانه بودن ساختار زیست جهان داعش است. برای روشن‌گری در باب این امر باید ساختار کین‌توزانه بودن کنش توبه را تحلیل کنیم. برای روشن‌گری در باب کنش توبه از معدل تعاریف و تفاسیر کین‌توزی استفاده می‌کنیم؛ یعنی کنش واکنش‌مدارانه و باید نشان دهیم که کنش توبه در اساس و بنیاد خود واکنش است.

۱. شیعه نیوز: کدخبر (shia-news.com)

بهتر است با این پرسش آغاز کنیم که در وضعیت توبه چه کنشی انجام می‌شود؟ یا کسانی که از مردم می‌خواهند توبه کنند، دقیقاً خواستار چگونه کنشی هستند؟ در گزارشات منتشر شده درباره اعلام افتتاح دفاتر توبه، داعش از کسانی که با عقاید و باورهای داعش مخالفت دارند خواسته بود که به این دفاتر مراجعه و توبه کنند. توبه در اینجا کنشی است که براساس آن فرد باید برخلاف باورهای پیشین خود دست به واکنش بزند، مثلاً برخلاف این باور که «داعش مسیری خلاف اسلام و یا صلاح مسلمین در پیش گرفته است» به باور دیگری متذکر و متعهد شود و بگوید: داعش نماینده اسلام حقیقی است و می‌تواند مسلمانان را از فلاکت‌هایی که بدان دچار شده است نجات دهد. پرواضح است که این کنش در واقع و بنیاد خود نوعی واکنش است. واکنش نسبت به گذشته و افکار و عقایدی که افراد با آن زیسته‌اند. پرسش اساسی که می‌تواند نشان‌دهنده هویت کین‌توزانه داعش باشد این است که: چرا داعش باید این خواسته را از مردم داشته باشد؟ با توجه به اینکه در عمق هر خواسته رانه‌ای نهفته است، رانه دفع گذشته و این خواستن از دیگران که گذشته خود را انکار کنند چه معنایی در عمق خود دارد؟ این رانه دلالت بر تمنای دفع گذشته دارد و در واقع واکنشی به گذشته است. چنان‌که پیشتر در قالب نکته‌ای انسان‌شناختی متذکر شدیم هر پدیده انسانی محصولی تاریخی است نه فرآورده‌ای موقتی، آنی و دفعی! بر این اساس می‌توان کنش توبه یا کنش‌هایی از این دست را در مجموع تجارب زیسته داعش معناشناسی کرد. بر این اساس کنش توبه در واقع گونه‌ای از مکانیزم دفع تجارب روانی نامطبوع است که در آن فرد سعی می‌کند آنچه که باعث آزارش شده را از دسترس آگاهی دور کند یا به‌واسطه نقادی ارزش روانی آن را کاهش دهد. براین اساس داعش با تاسیس دفاتر توبه و درخواست از مخالفان خود برای توبه کردن، در واقع در ساختار زیست جهان خود به‌گونه‌ای علیه گذشته‌ای که از سرگذارنده اعلان جنگ کرده و سعی می‌کند با کنش واکنش مدارانه به نوعی از خویش‌نشان گذشته‌زدایی کند.

خودابرازی مذهبی؛ شعار الله اکبر: اعضای داعش در لحظاتی که بار روانی فراوانی بر آنها تحمیل می‌کند فریاد الله اکبر سر می‌دهند.^۱ به‌راستی چرا آنها در هنگامه کنش‌های سخت نام خدا

۱. مستند «ملاقات با داعش» شبکه افق (ofoghtv.ir)

را با عطش خداپرستی فریاد می‌زنند؟ در عمق فریادهای الله اکبر داعش چیست؟ ما باید در کنش فریاد الله اکبر داعش رانه‌های روانی را شناسایی کنیم؛ چراکه رانه‌ها عمیق‌ترین حالات روانی هستند و به مفهوم کشیدن این رانه‌ها در واقع بیان عواطف کور و ناشناخته به زبان خرد است. برای فهم رانه‌های روانی در این سنخ از کنش داعش باید پرسید اعضای داعش در چه مواقعی به فریاد الله اکبر اقدام می‌کنند؟ و اینکه چه ساختار روانی و چگونه اقتضای این چنین فریادهایی را به وجود می‌آورد؟ در ویدیوهایی که افراد داعش منتشر کرده‌اند در صحنه‌هایی که قصد دارند امر مهمی را بیان کنند کنش خود را به فریادهای الله اکبر متصل می‌کنند، مثلاً هرگاه که قصد سربریدن سر قربانی را دارند پس از بریده شدن سر شروع به فریاد الله اکبر می‌کنند یا در میدان نبرد، در هنگامه حملات هوایی یا زمینی دشمنان با فریاد الله اکبر کنش‌های سخت و دشوار خود را انجام می‌دهند. اما آیا فریادهای الله اکبر آنها کین‌توزانه است؟ باید گفت بله درست است. چراکه هر کنش توسط کنش‌گر تنها زمانی نیاز به متصل شدن به فضیلت‌های یک مکتب یا ایدئولوژی دارد که کنش‌گران آن تردیدی عمیق نسبت بدان در دل داشته باشند، به‌واقع آنها عواطف روانی خود را در معیت فریادهای بلند و کنش‌های آمیخته به تصاویر و نمادهای مذهبی انجام می‌دهند و برای این امر نیازی به تجویز یا دستور نمی‌بینند؛ چراکه این حکایت از یک نیاز روانی دارد و بدون هیچ‌گونه کوشش در درون ایشان شروع به جوشش و فوران می‌کند. برای داعش الله اکبر گواه بر فتح، پیروزی، زورمداری، غلبه، و خدامحوری نیست و اگر هم این شعارها در زبان ایشان جاری باشد امر روانی در زیر زبان و در نهان‌خانه ایشان قرار دارد. بانگ زدن و خود و کنش خود را به خدا متصل خواندن ناشی از نهیب بی‌خدایی در درون نیست، بلکه احساس ضعف و سستی که در آن هنگام بر اعضای داعش غلبه می‌کند رانه خداخواهی یا خداگونگی را فعال می‌کند. در این رانه خواستن خدا همانند خواست قدرتی است که آنها را از ضعف دور می‌کند مانند پناه گرفتن کودکی در آغوش پدرش پس از آنکه از شرارت‌های دیگران رمیده است. بنیاد ضعف روانی مسلط شده بر اعضای داعش می‌تواند ماهیت متفاوتی داشته باشد، اما به سبب پناه بردن اجتماع داعش به خدا می‌توان ضعف روانی را نوعی ضعف قدرت و شجاعت دانست که با پناه بردن به قدرتی نامحدود و قادر به همه چیز تمام ترس‌ها مرتفع می‌شود. در واقع الله اکبر برای داعش در کنش‌های متفاوتی

انجام می‌شود و در هر بار انجام رانه‌های موجود در آن از جنس ضعف و سستی روانی هستند که خود را در پناه تصویری که از خدا دارند، آرام می‌کنند. در نهایت این افراد داعش به‌واسطه فریادهای الله اکبر و متصل کردن آن به کنش‌های خشمناک رانه بی‌زوری، ناتوانی و سستی را از خود دور و در درون بر آنها غلبه می‌کنند.

انتقام در برابر شکست: بنابر گزارشات منتشر شده در زمان عملیات بازپس‌گیری استان نینوا توسط بسیج مردمی عراق جاده ارتباطی و استراتژیک بیجی - الحدیثه هدف حملات پارتیزانی داعش قرار گرفت و مدتی مسدود بود. این جاده تنها مسیر تدارکاتی نیروهای نظامی عراق در شهر حدیثه به‌شمار می‌رفت.^۱ این کنش توسط داعش در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت، اما چگونه می‌توان کین‌توزی را در آن به فهم در آورد؟ داعش با آگاهی از حیاتی بودن این جاده برای تهیه تدارک ارتش مستقر در شهر حدیثه دست به این اقدام زد، در حالی که ارتش عراق در حال پیشروی در شهرهای تصرف شده توسط داعش بودند. بنابراین، این کنش می‌تواند به‌گونه‌ای در واکنش به ضعف و بی‌زوری احساس شده توسط داعش باشد؛ چراکه براساس محاسبات راهبردی تصرف این جاده نمی‌توانست ضربه‌ای جدی به نیروهای عراقی وارد کند و به‌علاوه وضعیت پیشروی‌های نیروهای عراقی نسبت به داعش حکایت‌گر موضعی بالادست داشت.

فن آوری‌های مدرن؛ ساعت خلیفه: ابوبکر البغدادی خلیفه داعش در ششم رمضان ۱۴۳۵ هجری قمری در مسجد موصل در جمع مسلمانان سخنرانی را ایراد می‌کند که به‌زعم ما یک نشانه کین‌توزانه در آن مشهود است.^۲ نشانه‌شناسی ما شامل گفتار و حرکات خلیفه نیست، حتی شامل پوشش خلیفه نیز نمی‌شود، بلکه بر ساعتی که خلیفه در دست راستش بسته متمرکز است. برای ما پوشیدن این ساعت کنش مهمی محسوب می‌شود و تحلیل این ساعت به‌عنوان نوعی نشانه‌شناسی بر اساس روان‌شناسی کین‌توزی می‌تواند زوایای پنهان زیست جهان نخبگان داعش - از جمله البغدادی - را نمایان کند. بر اساس روان‌شناسی کین‌توزی در هر کنش رانه‌ای نهفته است.

۱. مشرق نیوز: کدخبر ۵۵۰۹۸۶، (Mashregnews.ir)

۱. جمهور نیوز: کدخبر ۵۲۵۸۷، (jomhornews.com)

این پیش فرض ما را به منظور روان شناسی کنش به سمت مطالعه رانه به خصوصی که انرژی روانی کنش را فراهم می کند هدایت خواهد کرد. براین اساس باید بپرسیم چگونه ممکن می شود خلیفه در عین اینکه مظهر و تجلی سنت رسول الله است، به ساعتی مچی ۳۵۰۰ پوندی علاقه نشان می دهد؟ و اینکه چه رانه ای می تواند در عین اینکه خلیفه را ملزم به رعایت تمام سنت های رسول الله کرده، او را به بستن ساعت گران قیمت ترغیب کند؟ بر اساس روان شناسی کین تیزی رانه هایی که خلیفه داعش را مقید به تکرار قول و فعل رسول الله کرده اند، باید در ارتباط با بستن ساعت گران قیمتی که در دست دارد تحلیل شود؛ چراکه گرایش های روانی نمایان کننده ساختار روانی فرد به عنوان واحد به هم پیوسته هستند و هر کدام از کنش ها به خودی خود نمایانگر معنایی جداگانه از زیست جهان نخواهد بود. در پارادایم کین تیزی ما کنش پیروی از گام های رسول الله یعنی انجام قول و فعل رسول الله را باید در کنار کنش بستن ساعت گران قیمت به فهم درآوریم؛ چراکه بستن ساعت مچی توسط خلیفه اگر جذاب به نظر بیاید در کنه زیباشناسی خود نوعی روان شناسی کین تیزی به همراه دارد. به زعم ما کنش بستن ساعت - در قالب نوعی زیبایی شناسی - دلالت بر جذاب بودن تمدن غربی است. به عبارت دیگر، بستن ساعت گران قیمت برای فردی در جایگاه و مقام خلیفه که مظهر فخر و قدرت مسلمانان است به تبع نوعی بزرگی و ارزشمندی محسوب می شود؛ چراکه خلیفه هرگز خود را به چیزهای سخیف نمی آراید. چنان که خود را به گرانسنگ ترین چیزها آراسته است، مثلاً لباس پیامبر (ص) یا مسواک پیامبر (ص) و حتی نحوه راه رفتن پیامبر (ص) - براساس روایات - پس ساعت مچی ۳۵۰۰ پوندی هم باید چیز با ارزش و فاخری باشد. در اینجا باید پرسید چرا ساعت مچی برای خلیفه نماد فخر است؟ یا چرا ساعت مچی برای خلیفه ارزشمند است؟ در این نمادشناسی نوعی روان شناسی نهفته است. بدین معنا که نماد زورمندان و والاتباران غرب همواره خوب و فاخر است اما برای چه کسانی؟ برای کسانی که خود را سخیف و بی ارزش می پندارند آنها نیازمند به ارزشمندی هستند، برای همین نمادهای فخر و ارزشمندی را جستجو می کنند. در نهایت در بنیاد کنش ساعت مچی نوعی آرزوی غربی شدن یا تمنای قدرت و شکوه غرب جریان دارد. حال که به ماهیت روانی ساعت مچی خلیفه براساس تحویل نمادشناسی این کنش به روان شناسی کین تیزی پی بردیم، ماهیت روانی کنش التزام به

قول و فعل رسول الله - مانند قرائت آیات وحی، لنگ لنگ زدن در بالا رفتن از منبر، استفاده از مسواک و عباى مشکی - نیز مشخص می‌شود، بدین صورت که خلیفه به واسطه این کنش به فقر درونی، بی‌زوری، بی‌مایگی، ناتوانی، ضعف و حقارت خود واکنش نشان می‌دهد و با به درجه اعلا رساندن خویشتن براساس التزام به سنت رسول الله به تمنای قدرت یا به تعبیری رادیکالیزه به عطش قدرت پاسخی درخور می‌دهد، هرچند که صورت مثالی تمنای قدرت برای ایشان از تجربه قدرت و شکوه غرب فهم شده اما کنش التزام به سنت رسول الله را صرفاً به‌عنوان واکنشی در برابر زورمندی غرب انجام می‌دهند.

نتیجه‌گیری

کنش‌های داعش در عمق خود نگرانی از آینده و نارضایتی از گذشته را دارد و در اساس نگرانی از آینده‌ای که شبیه به گذشته باشد منجر به اقدامات و مقاومت‌های تروریست‌های داعش خواهد شد تا گذشته آنها دوباره در آینده تکرار نشود. این نگرانی در زیست جهان داعش آنها را به واکنش علیه هر آنچه که در افکار و اعمالشان در ارتباط با آینده وجود ندارد، برمی‌انگیزاند. از این‌جا می‌توان به‌راحتی دریافت که واکنش‌مداری داعش تنها به‌واسطه نگرانی‌ای است که در ضمیر آنها رسوب کرده؛ نگرانی‌هایی که آفریده تجارب زیسته اعضای داعش پیش از تاسیس دولت اسلامی است. به‌منظور دریافتن عمق این نگرانی و کاوش در زوایای روان‌شناختی آن در این پژوهش به‌واسطه آسیب‌شناسی کنش‌های داعش در پارادایم کین‌توزی به این نتیجه می‌رسیم که اولین و اصلی‌ترین ویژگی سازمان تروریستی داعش همانا واکنش‌مندی آنهاست. به‌واقع کنش‌های اساسی آنها مانند تاسیس خلافت اسلامی در عراق و شام، تدارک زمینه‌ها و ساختارهای بوروکراسی، اعدام‌های برنامه‌ریزی شده و انتشار تصاویر ویدیویی آن در رسانه‌های مجازی و سایت‌های رسمی دولت اسلامی فی‌نفسه و بنیادین کنش علیه درونیت‌هایی است که ایده و آرمان خلافت و سازمان تروریستی داعش از خاک آن رویداده است. باید دانست بی‌شک برای کنش‌گری که در مقام واکنش علیه چیزی است، توجیه‌گری یک دست‌آویز مهم تلقی می‌شود. از سوی دیگر باید به‌یاد داشت که داعش در تمام کنش‌هایش خودابرازی‌های مذهبی را فراموش نمی‌کند و به‌نوعی

به واسطه پیوند زدن این کنش‌ها به فضیلت و دیانتی اسلام سلفی خود را در برابر ناخوش‌آیندی‌های درونی تجهیز می‌کند. بنابراین، این احساس نیاز درونی به پیوند با اسلام سلفی است که در دلالت‌هایی مانند خودابرازی‌های مذهبی ریزش می‌کند. به‌زعم ما نیروهای روانی که سبب میل به پیوند زدن کنش‌های خشونت‌بار به اسلام سلفی شده‌اند، در امتداد زیست روانی اعضای داعش انرژی روانی سایر کنش‌های آنها را نیز فراهم می‌آورند. بنابراین نباید تنها یک مورد از کنش‌های داعش را بلکه تمام کنش‌های ایشان را باید کین‌توزانه به حساب آورد. این طبیعت انرژی روانی است که به‌سبب پویایی و تحرکی که در ذات خود دارد، هرگز متوقف نشده و تمام کنش‌ها و اندیشه‌های کنش‌گر را به منطقه نفوذ و اقدام خود تبدیل می‌کنند. برای این اساس بسیاری از اندیشه‌ها و خودابرازی‌های داعش در ارایه اهداف و آرمان‌های جهان خود مانند جنگ در منطقه دابق مبتنی بر پیش‌انگاره‌های انتقام و حقارت است و خصلت خودابرازی‌ها کنش‌های داعش و خشونت‌مندی غالب کنش‌های ایشان گواه محکمی بر پیش‌انگاره‌های روان‌شناختی آنهاست.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. آشوری، داریوش (۱۳۹۴)، «کین‌توزی روشنفکری ایرانی»، اندیشه پویا، شماره ۳۰.
۲. شلر، ماکس (۱۳۹۲)، کین‌توزی، صالح نجف آبادی، جواد گنجی، نشر ثالث.
۳. نصری، قدیر (۱۳۹۳)، «خشم به فرمان خرد: تاملی دیگر در خشونت ورزی به سیاق داعش»، در پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه:

www. Fa. Cmess. ir

4. Dabiq (2014), Issue 1.
5. Dabiq (2014), Issue 3.
6. Dabiq (2014), Issue 11.
7. PBS (2014). The Rise Of ISIS. Published By PBS. org
8. Frings, Manfred (2015), "Max Scheler and Psychology of the Terrorism," Published By home. isi. org.
9. Morelli, Elizabeth (1998), "Ressentiment and Rationality," Published By Bu. Edu.
10. Nelson, Eric (2013), "The Question of Ressentiment in Nietzsche and Confusion Ethnic," Published By Taiwan Journal of East Asian.